

# مقررات بازار کار و اشتغال جوانان: شواهدی تجربی از منطقه

منا

اکرم خادمی<sup>۱</sup>

کاظم یآوری<sup>۲</sup>

حسن حیدری<sup>۳</sup>

## چکیده

اثرات منفی و زیان‌بار بیکاری جوانان در منطقه منا، منجر به شکل‌گیری بحث‌هایی در زمینه عوامل تعیین‌کننده اشتغال جوانان و راه‌های مقابله با مسئله بیکاری جوانان شده است. تئوری اقتصادی نئوکلاسیک بیان می‌کند که، مقررات زدایی (یعنی انعطاف‌پذیری بیشتر) بازار کار، بنگاه‌ها را به استخدام جوانان تشویق می‌کند و بنابراین اشتغال جوانان را افزایش می‌دهد. هدف از این مطالعه، بررسی تجربی اعتبار این فرضیه با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به اشتغال جوانان و شاخص مقررات بازار کار (LMRI) ۱۷ کشور منتخب در منطقه منا در بازه زمانی بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ است. نتایج تجربی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته تفاضلی دو مرحله‌ای D-GMM و همچنین روش گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی دو مرحله‌ای S-GMM به منظور استحکام نتایج، شواهدی در ارتباط با تأیید فرضیه نئوکلاسیک ارائه نمی‌دهد. بالعکس، این پژوهش نشان می‌دهد تأثیر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال جوانان مثبت و معنادار است. در خاتمه می‌توان بیان کرد، تأثیر انعطاف‌پذیری بازار کار بر اشتغال جوانان در محل تردید باقی می‌ماند.

**واژگان کلیدی:** انعطاف‌پذیری بازار کار، اشتغال جوانان، روش گشتاور تعمیم یافته تفاضلی دو

مرحله‌ای.

**Keywords:** Labor Market Flexibility, Youth Employment, D-GMM.

**JEL Classification:** J21, J88, J58.

Akramkhademi86@yahoo.com

Kyavari@yazd.ac.ir

hassan.heydari@modares.ac.ir

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس

<sup>۲</sup> استاد علوم اقتصادی، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استادیار علوم اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس

## ۱- مقدمه

اشتغال جوانان در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) پایین‌ترین میزان اشتغال (بالا‌ترین میزان بیکاری) در جهان است و از این لحاظ از همه مناطق ژئوپلیتیکی عقب مانده است. روشن است که مسئله بیکاری حداقل به دو دلیل برای کل جامعه مضر است. نخست، نوعی هزینه مالی برای کل جامعه دارد و در بلندمدت به عدم تعادل تأمین مالی بخش عمومی کمک می‌کند و منجر به بدتر شدن نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی می‌شود. دوم، به خصوص اگر برای مدت طولانی پایدار باشد مجموعه پیامدهای منفی از جمله از دست دادن سرمایه انسانی (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی)؛ اشتغال‌پذیری پایین‌تر، سطوح پایین‌تر درآمد انتظاری (آرولامپالام و همکاران، ۲۰۰۰)؛ افزایش نرخ جرم و اثرات منفی بر رفاه جسمی و روانی افراد دارد (چودری و همکاران، ۲۰۱۲، الف، ۲۰۱۲ ب؛ اوهیگینز، ۱۹۹۷؛ پنج و همکاران، ۲۰۱۴).

فرضیه‌ای که توسط تئوری بازار کار نئوکلاسیک مطرح می‌شود، این است که سطوح پایین اشتغال عمدتاً به دلیل وجود قوانین سخت‌گیرانه و پیچیده بازار کار است که مانعی برای رسیدن به اشتغال کامل است (بلانچارد و سامرز، ۱۹۸۶؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۱۹۹۴؛ لئزیر، ۱۹۹۰). شایان ذکر است که در طول دهه ۱۹۹۰ و سال‌های اولیه دهه ۲۰۰۰ فرضیه نئوکلاسیک در چندین مقاله اقتصادسنجی پذیرفته شد (بلانچارد و وولفر، ۲۰۰۰؛ بلانچارد و همکاران، ۲۰۰۶؛ نیکل، ۱۹۹۸؛ هونهاین و راجرسون، ۱۹۹۳).

بحث‌های نظری نئوکلاسیکی طرفدار انعطاف‌پذیری بیشتر بازار نیروی کار بر این واقعیت استوار هستند که انعطاف‌پذیری بازار نیروی کار عامل کلیدی برای افزایش بهره‌وری، افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها در بازار، افزایش رشد اقتصادی و افزایش اشتغال است (جها و گلدرا، ۲۰۰۸).

1. OECD

2. Arulampalam et al.

3. Choudhry et al.

4. O'Higgins

5. Benach et al.

6. Blanchard and Summers

7. Lazear

8. Blanchard and Wolfer

9. Nickel

1. Hopenhayn and Rogerson

1. Jha and Golder

به ویژه، می توان حداقل پنج دلیل را بیان کرد که درجه بالای انعطاف ناپذیری بازار کار سطح اشتغال را کاهش می دهد: (۱) قوانین سخت گیرانه و پیچیده بازار کار تعیین می کنند در تعادل، کارگران دستمزدهایی دریافت کنند که از بهره‌وری نهایی آن‌ها بالاتر است و بدین ترتیب منجر به تخصیص نادرست منابع می شود؛ (۲) انعطاف ناپذیری بیشتر بازار کار، مانعی برای تعدیل بازار نیروی کار با تغییرات چرخه تجاری است (بلانچارد و همکاران، ۲۰۰۶)؛ (۳) انعطاف ناپذیری بازار کار نشان دهنده یک رانت اقتصادی از سرمایه به نیروی کار است که، سودآوری سرمایه را کاهش می دهد و منجر به کاهش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی می شود (کالدرون و چونگ، ۲۰۰۵)؛ (۴) نهادهای بازار کار سخت و سفت می توانند از حقوق کارگران حمایت کنند اما در عین حال می توانند مانع حرکت کارگران از شغل‌های کم بازده به پر بازده شوند و در نتیجه منجر به دوره‌های طولانی بیکاری می شوند و با حمایت از کارگران درونی مانع دسترسی کارگران بیرونی (به خصوص افراد جوان و کم مهارت) به بازار کار می شوند (بچرمن، ۲۰۱۴؛ لیندبک و اسنور، ۱۹۸۸)؛ (۵) در نهایت، مقررات‌های نیروی کار سخت گیرانه، بویژه با رویه‌های اخراج سخت و پیچیده با پذیرش تکنولوژی کمتر همراه شده است (بارتلزمن و همکاران، ۲۰۱۷) و همچنین باعث ورود و خروج کمتر بنگاه‌ها بویژه بنگاه‌های کوچک به صنایع و در نتیجه کاهش تخصیص نیروی کار به آن‌ها و در نهایت کاهش اشتغال می شود (بوتاسو و همکاران، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، حداقل سه استدلال در مخالفت با تئوری نئوکلاسیکی که طرفدار انعطاف پذیری بازار کار است ارائه شده که مستلزم تحلیل است. (۱) به عقیده باریئری و شرر<sup>۶</sup> (۲۰۰۹)، مقررات زدایی بالاتر به افزایش اشتغال جوانان کمکی نمی کند، بلکه تنها یک اثر جانشینی دارد یعنی جانشینی اشتغال معمولی با اشتغالی که کارگران تحت حمایت قرار می گیرند (سیریلو و همکاران، ۲۰۱۷؛ فریری و گومز، ۲۰۱۸)؛ (۲) به گفته کلاینکنت<sup>۹</sup> (۱۹۸۸)، سیاست‌هایی به منظور انعطاف پذیرتر کردن بازار کار، می تواند (یا ممکن

1. Kalderon and Chong

2. Betcherman

3. Lindebeck and Snower

4. Bartelsman et al.

5. Bottasso et al.

6. Barbieri and Scherer

7. Cirillo et al.

8. Ferreiri and Gomez

9. Kleinknecht

اثرات مثبتی را در کوتاه مدت داشته باشد، اما در بلندمدت اثرات منفی بر نوآوری، رشد اقتصادی و اشتغال دارد؛ (۳) به عقیده والوی<sup>۱</sup> (۱۹۹۶)، سیاست‌های انعطاف‌پذیری بازار کار برای کاهش دستمزد کارگران اثرات منفی بر بنگاه‌ها دارد زیرا منجر به انتخاب بد در مورد کارگران می‌شود (اکرلوف، ۱۹۸۴؛ یلن، ۱۹۸۴؛ آکرلوف و یلن، ۱۹۸۶). در نهایت بهتر است به یاد بیاوریم، که بر اساس دیدگاه کیتزین، بازار نیروی کار یک نقش منفعل دارد و به سطح تقاضای کل وابسته است. در این دیدگاه هر تغییری در نهادهای بازار کار، اگر با سیاست‌های اقتصادی انبساطی (سیاست‌های پولی و مالی) به منظور افزایش تقاضای کل همراه نباشد، بی‌تأثیر خواهد بود.

با توجه به این مفروضات، آیا اصلاح مقررات نیروی کار برای اقتصادها امری ضروری است؟ اصلاحات در مقررات‌های بازار کار تا حدودی در منطقه منا نسبت به سایر مناطق محدود است. در حالی که ۲۹ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اصلاحات در مقررات نیروی کار خود را از سال ۲۰۰۶ اجرا کرده‌اند، تنها در ۹ کشور در منطقه منا مقررات نیروی کار از ۲۰۰۶ اصلاح شده است. با توجه به دیدگاه‌های موافق و مخالف در زمینه تأثیر انعطاف‌پذیری بازار کار بر اشتغال جوانان، این مطالعه به بررسی اثر انعطاف‌پذیری مقررات بازار کار بر نسبت اشتغال به جمعیت جوانان (سن ۱۵-۲۴) در ۱۷ کشور منتخب در حال توسعه منطقه منا<sup>۲</sup> به منظور ارزیابی اینکه، آیا انعطاف‌پذیری مقررات بازار کار طبق دیدگاه اقتصاد نئوکلاسیک اثرات مثبتی بر اشتغال جوانان دارد یا بالعکس طبق دیدگاه هترو دوکسی اثرات منفی بر اشتغال جوانان دارد، می‌پردازد.

## ۲- اشتغال جوانان و مقررات بازار کار در منا

در تئوری، کشورهایی که دارای سهم بیشتر جمعیت در سن کار (۶۴-۱۵ سال) از کل جمعیت هستند، قابلیت‌های بیشتری برای تولید و رشد اقتصادی دارند. همان‌طور که بوسیله بیورواتن و فرزنانگان<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) نشان داده شده، کشورهای منا کمتر قادر به بهره‌مندی از گذار جمعیتی بودند

1. Walwei

2. Akerlof

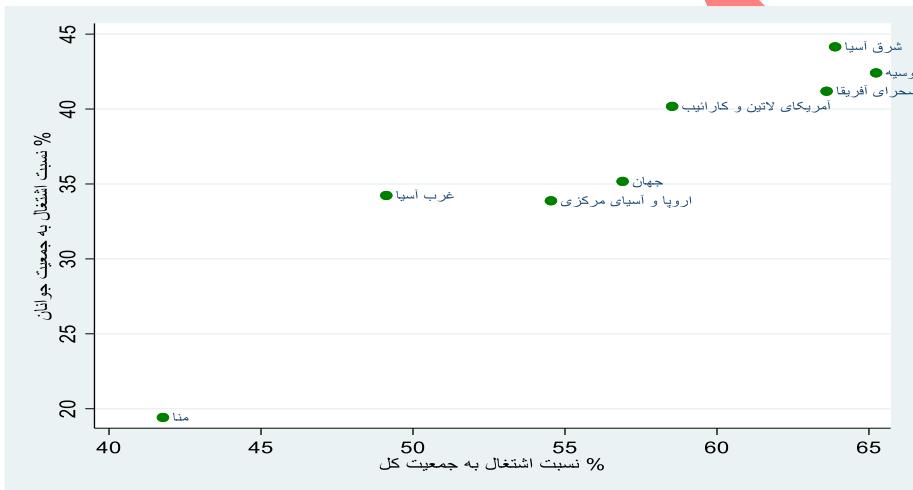
3. Yellen

۴. الجزایر، بحرین، مصر، ایران، رژیم اشغالگر قدس، اردن، کویت، لبنان، مراکش، مالت، عمان، قطر، عربستان سعودی،

سوریه، تونس، امارات متحده عربی، یمن.

5. Bjorvatn and Farzanegan

و سهم معناداری از جمعیت در سن کار (۲۴-۱۵ ساله)، به سمت فعالیت‌های تولیدی هدایت نشده‌اند، که منجر به تعداد بالای جمعیت جوان بیکار در این منطقه شده است. به عبارتی نرخ اشتغال در این منطقه نسبت به سایر مناطق جهان پایین است و عمدتاً پایین بودن اشتغال در گروه سنی جوانان (۲۴-۱۵ ساله) بیش از سایر گروه‌های سنی است. به طوری که سهم جوانان از اشتغال تقریباً نصف اشتغال کل است، علاوه بر این، تقریباً نرخ اشتغال جوانان ۲۵ درصد کمتر از نرخ اشتغال جوانان سایر مناطق است (نمودار ۱).

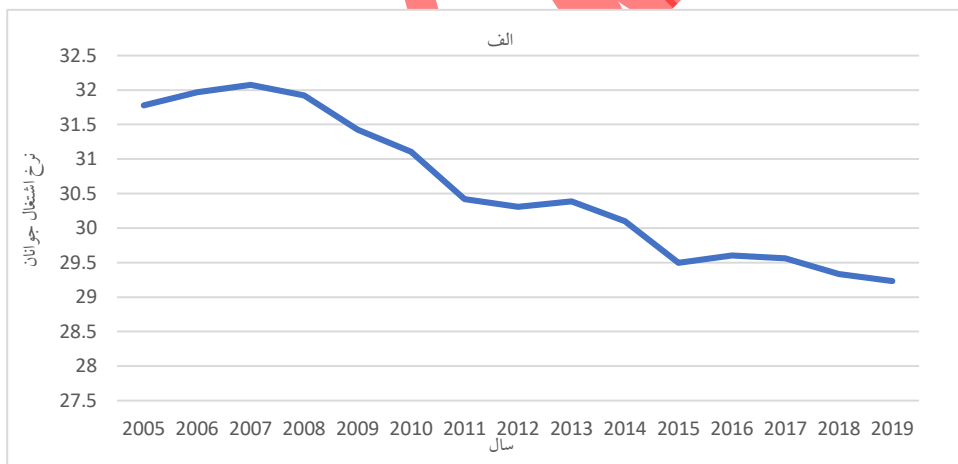


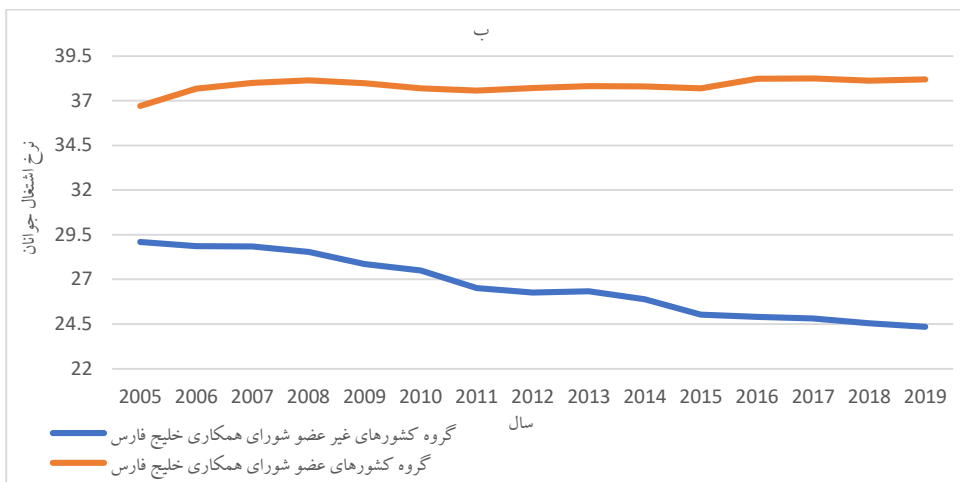
نمودار ۱: نرخ اشتغال کل و نرخ اشتغال جوانان منطقه منا در مقایسه سایر مناطق (۲۰۱۹)

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس آمارهای سازمان بین‌المللی کار

در بیشتر مناطق جهان مدت زمان دوره بیکاری برای جوانان کوتاه‌تر از بزرگسالان است، که نشان دهنده تمایل طبیعی جوانان برای جاب‌جایی بیشتر بین مشاغل است. با توجه به مقررات تقریباً پیچیده و سخت‌گیرانه بازار کار در منطقه منا، به نظر می‌رسد بیکاری جوانان به خصوص جوانان تحصیل کرده، که به زمان بیشتری برای یافتن شغل مناسب که متناسب با مهارت‌هایشان باشد نیاز دارند، طولانی‌تر از سایر مناطق جهان است. این نکته بسیار مهمی است، زیرا مدت زمان طولانی بیکاری بیشترین ضرر را برای انباشت سرمایه انسانی دارد.

نمودار (۲ قسمت الف) روند (متوسط) نرخ اشتغال جوانان ۱۷ کشور منطقه منا در طول دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۹ را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود نرخ اشتغال جوانان در طول دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ به دلیل عملکرد اقتصادی مثبت روند افزایشی داشته به طوری که نرخ اشتغال ۰,۳ واحد درصد افزایش داشته است. سپس از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ به عنوان پیامدهای بحران اقتصادی جهانی نرخ اشتغال جوانان ۱,۶۶ واحد درصد کاهش یافته و پس از آن از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ روند با ثباتی داشته و از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ به دلیل افزایش قیمت نفت نرخ اشتغال جوانان مجدداً روند نزولی یافته و از سال ۲۰۱۵ به صورت نامحسوسی روند افزایشی داشته و مجدداً از سال ۲۰۱۷ شروع به کاهش کرده است. به طور کلی می‌توان گفت از سال ۲۰۰۷ به بعد اشتغال جوانان در این منطقه رو به کاهش رفته، نرخ اشتغال جوانان در طول این سال‌ها از حداکثر ۳۲,۰۷ درصد به حداقل ۲۹,۲۳ درصد رسیده است. به طوری که کمترین میزان اشتغال در سال ۲۰۱۹ در عربستان سعودی با نرخ ۱۶,۱ درصد، اردن ۱۶,۳ درصد و ... ثبت شده است (بانک جهانی ۲۰۲۰).





نمودار ۲: الف) روند (متوسط) نرخ اشتغال جوانان در ۱۷ کشور منتخب منطقه منا در فاصله زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹. ب) روند (متوسط) نرخ اشتغال جوانان در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای غیر عضو شورای همکاری خلیج فارس

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های سازمان بین‌المللی کار

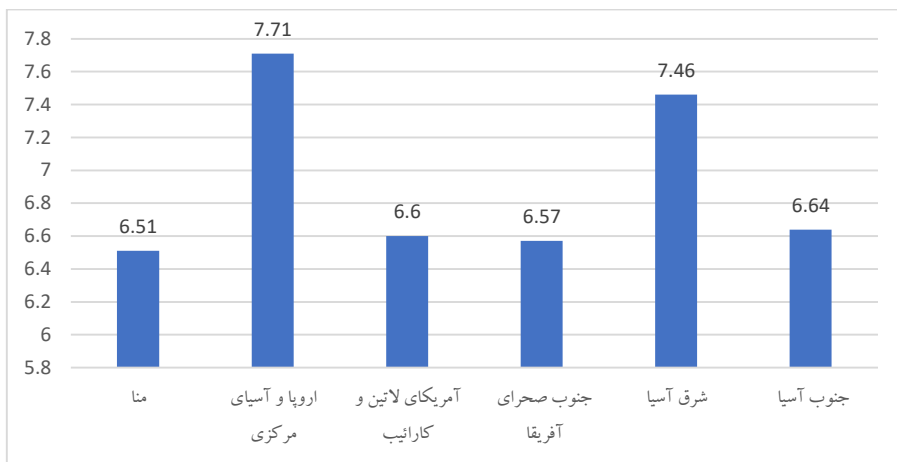
با توجه به اینکه داده‌ها شامل مجموعه‌ای از دو گروه کشورها است که به لحاظ اشتغال جوانان و مقررات بازار کار تا حدودی متفاوت هستند، برای شناسایی مسیر نرخ اشتغال جوانان، مقاطع در داده‌های پانل به دو زیرگروه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای غیر عضو شورای همکاری خلیج فارس تقسیم شد. همان‌طور که در نمودار (۲ قسمت ب) ملاحظه می‌شود این دو گروه کشور مسیر متفاوت نرخ اشتغال را نشان می‌دهند. نرخ اشتغال در گروه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس روند افزایشی را نشان می‌دهد. به طوری که نرخ اشتغال جوانان در این گروه کشورها از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸، افزایشی در حدود ۱,۴۴ واحد درصد را نشان می‌دهد و از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵، کاهش در حدود ۰,۴۴ واحد درصد که در مقایسه با رقم افزایشی سال‌های قبل بسیار کمتر است. با توجه به نمودار، مجدد نرخ اشتغال جوانان از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ روند افزایشی به خود گرفته است. در نتیجه می‌توان اظهار داشت نرخ اشتغال جوانان در این گروه کشورها در طول سال‌های مذکور تا حدودی به صورت نامحسوس روند صعودی داشته است. اما بالعکس، اشتغال جوانان در کشورهای غیر عضو روند نزولی را به ما نشان می‌دهد. نرخ اشتغال جوانان

این گروه کشورها در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ تقریباً روند با ثباتی داشته و از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ حدود ۲,۰۱ واحد درصد کاهش و سپس از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ روند با ثبات داشته و مجدد از سال ۲۰۱۳ شروع به کاهش نموده تا به حداقل خود یعنی ۲۴,۳۴ درصد رسیده است.

در اکثر مطالعات پایین بودن اشتغال یا به عبارتی بالا بودن نرخ بیکاری جوانان در این منطقه را ناشی از رشد بالای نیروی کار، عدم تطابق مهارت، و بخش دولتی بزرگ دانسته‌اند اما اکنون این سؤال بوجود می‌آید که آیا سختی بازار کار (پایین بودن درجه انعطاف‌پذیری بازار کار) ناشی از برخی مقررات پیچیده و زائد در بازار کار بر اشتغال جوانان این منطقه اثر گذار است؟

برای در نظر گرفتن درجه انعطاف‌پذیری بازار کار از شاخص مقررات بازار کار (LMRI) استخراج شده از موسسه فریزر استفاده می‌شود که دو مزیت مهم دارد: (۱) به ما اجازه می‌دهد که تغییرات نهادهای بازار کار را در نظر بگیریم؛ (۲) برخلاف سایر شاخص‌های مقررات بازار کار که به صورت ناقص و برای فاصله زمانی بسیار کوتاه ارائه شده‌اند مقادیر این شاخص از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۰ موجود است. مقررات بازار کار (انعطاف‌پذیری بازار کار)، میانگین غیر وزنی از شش زیر شاخص مذکور است: (۱) مقررات استخدام و حداقل دستمزد؛ (۲) مقررات‌های استخدام و اخراج؛ (۳) چانه‌زنی جمعی متمرکز؛ (۴) مقررات ساعات کار؛ (۵) قدرت تصمیم‌گیری بنگاه در مورد هزینه‌های اخراج و (۶) خدمت اجباری. ارزش این شاخص از صفر تا ده است. ارزش بالاتر نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری بیشتر بازار کار است. شاخص انعطاف‌پذیری بازار کار (LMRI) نشان می‌دهد که محدودیت انعطاف‌پذیری در منطقه منبالاتر از سایر مناطق است (نمودار ۳)، که می‌تواند به طور قابل توجهی خلق شغل را به ویژه برای افرادی که اولین بار جویای کار هستند محدود کند، زیرا بنگاه‌ها را از گسترش اشتغال در پاسخ به تغییرات مطلوب در فضای اقتصادی منصرف می‌کند.





نمودار ۳: انعطاف پذیری بازار کار منطقه منا در مقایسه با سایر مناطق (۲۰۱۹)

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس آمارهای موسسه فریزر

مقررات استخدام در منا مطابق استانداردهای بین‌المللی است. کشورهای منطقه منا در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی مقررات استخدام سخت‌گیرانه‌ای ندارند. در برخی کشورهای منا در مورد قانون استخدام نیروی کار، ترتیبات انعطاف‌پذیری در ارتباط با قراردادهای کاری معین دارند. اما بالعکس منطقه منا در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی مقررات اخراج پیچیده و سخت‌گیرانه‌ای دارد. مقررات نیروی کار می‌تواند انواع متفاوتی از قوانین اخراج را برای حمایت از کارگران به کار گیرد. در کشورهایی با درآمد متوسط و درآمد پایین، پرداخت پایان خدمت (چبران پایان خدمت) رایج‌ترین روش، برای حمایت از کارگران است. با وجود اینکه نوعی حمایت درآمدی برای کارگران محسوب می‌شود، هزینه‌های اخراج و تجمیع ریسک را در سطح بنگاه افزایش می‌دهد و در نتیجه اشتغال کل و بهره‌وری کل را کاهش و نابرابری را در بین کارگران افزایش می‌دهد (باسانینی و همکاران؛ ۲۰۰۹، کاکلر و پیکا؛ ۲۰۰۸، بوترو و همکاران؛ ۲۰۰۴، هارستی؛ ۲۰۰۴،

1. Severance Pay

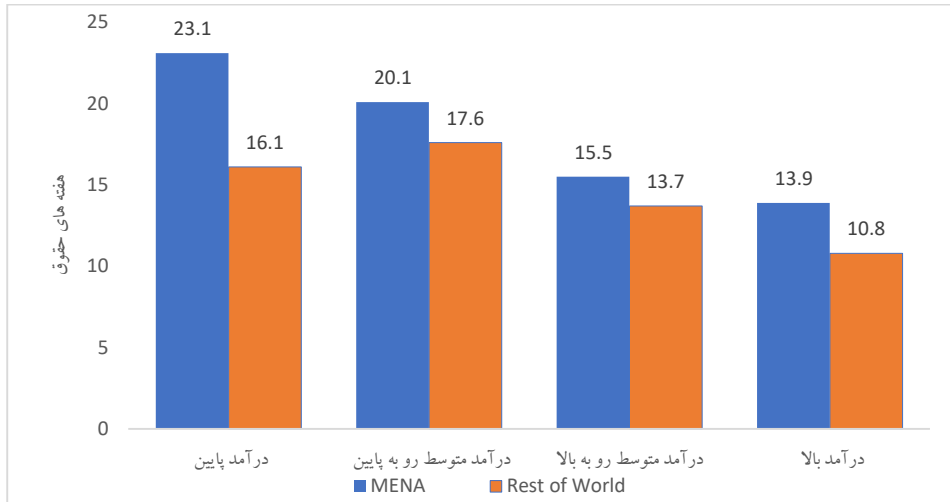
2. Bassanini et al.

3. Kugler & Pica

4. Botero et al.

5. Harasty

کاگلر و سن پال<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). در منطقه منا، پرداخت پایان خدمت (جبران پایان خدمت) به عنوان یکی از قوانین اخراج، برای حمایت کارگران در تمام گروه‌های درآمدی، بالاتر از سایر مناطق در گروه‌های مختلف درآمدی است (نمودار ۴).



#### نمودار ۴: پرداختی جبرانی پایان خدمت منطقه منا در مقایسه با سایر مناطق جهان

**یادداشت:** کشورهای کم درآمد از جمله: جمهوری عربی سوریه، یمن. کشورهای با درآمد متوسط رو به پایین: الجزایر، جیبوتی، جمهوری عربی مصر، جمهوری اسلامی ایران، مراکش، تونس، کرانه باختری رود اردن. کشورهایی با درآمد متوسط رو به بالا: عراق، اردن، لبنان، لیبی. کشورهایی با درآمد بالا: بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی.

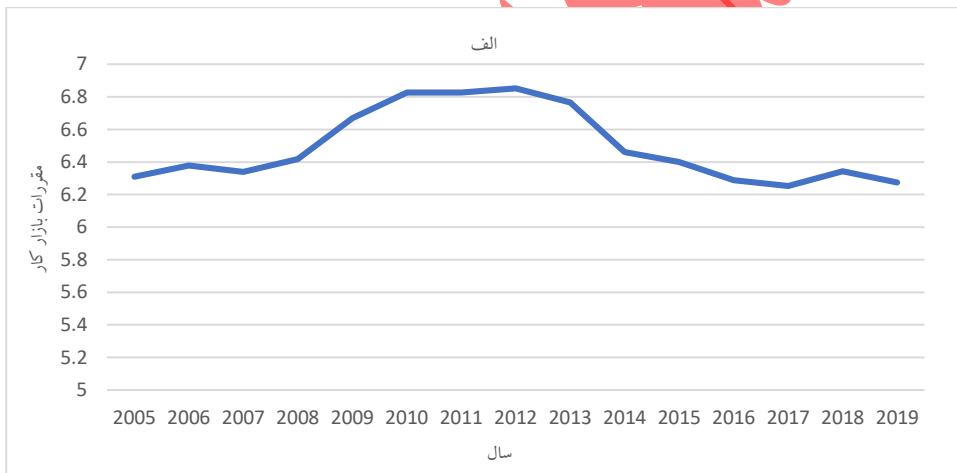
منبع: پایگاه استخدام و اخراج کارکنان بانک جهانی، ۲۰۲۰.

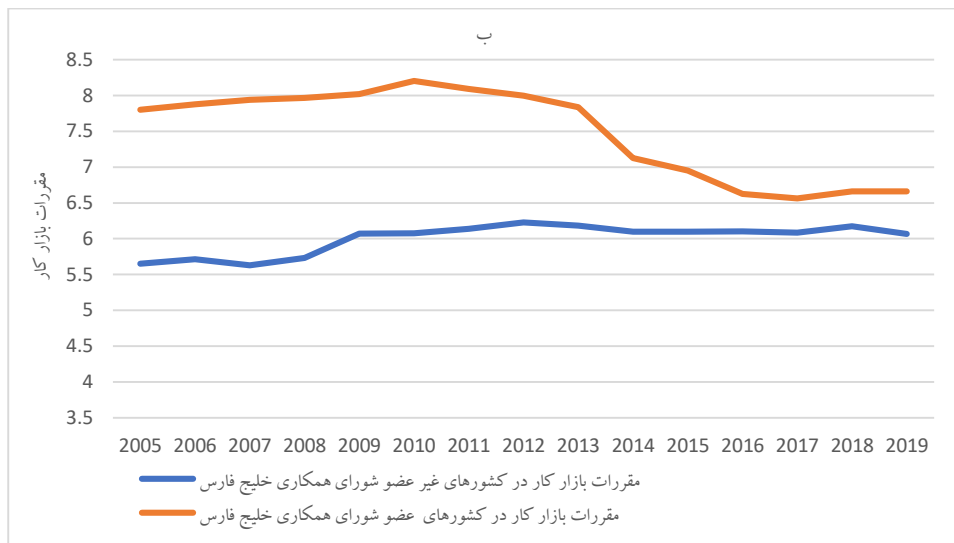
مقررات اخراج در منا (به ویژه در کشورهای غیر عضو شورای همکاری خلیج فارس) کاملاً سخت‌گیرانه و هزینه‌های اخراج بالا است. بسیاری از کشورهای منطقه به پرداختی پایان خدمت بالایی تکیه دارند و فاقد مزایای بیکاری هستند، تنها در ۹ کشور منطقه طرح بیمه بیکاری وجود دارد اما پرداختی پایان خدمت مناسب و قانون اخراج حمایت‌کننده، جایگزین ضعیفی برای طرح بیمه بیکاری هستند. یکی دیگر از زیر شاخص‌های مقررات نیروی کار، قانون و مقررات حداقل دستمزد است. بسیاری از کشورهای منطقه منا سطح حداقل دستمزد را اصلاح نکردند مانند لبنان که سطح حداقل دستمزد خود را از ۲۰۱۲ تغییر نداده است. تقریباً یک چهارم کشورهای منطقه برای کارگران

<sup>1</sup>. Kugler & Saint-Paul

بخش خصوصی، مانند کارگرانی که در منزل کار می‌کنند و یا برای نیروی کار مهاجر حداقل دستمزد ندارند.

اکنون پس از شرح مختصری از مقررات بازار کار در منطقه منا نوبت به بررسی روند انعطاف‌پذیری بازار کار این منطقه در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۰۵ می‌رسد. نمودار (۵ قسمت الف) ارزش LMRI (متوسط) ۱۷ کشور منطقه منا از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد. در نمودار (۵ قسمت الف) به وضوح مشاهده می‌شود که انعطاف‌پذیری بازار کار در منطقه منا از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ روند افزایشی داشته و در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ به حداکثر مقدار خود ۶٫۸۵ رسیده و سپس شروع به کاهش کرده به طوری که در سال ۲۰۱۷ به حداقل خود یعنی ۶٫۲۵ رسیده و مجدد در سال ۲۰۱۸ افزایش و سپس کاهش داشته است.

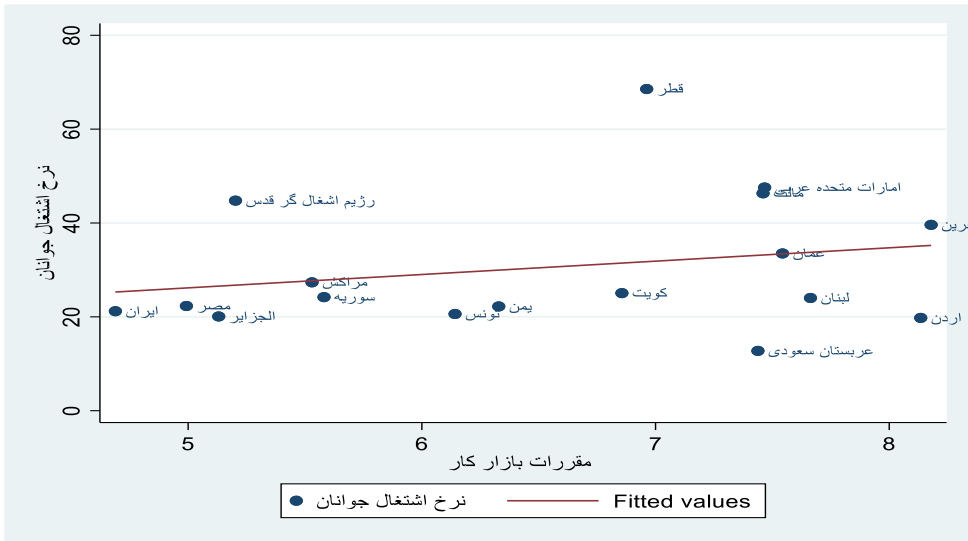




نمودار ۵: الف) متوسط شاخص مقررات بازار کار در ۱۷ کشور منتخب منطقه منا در فاصله زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹. ب) متوسط شاخص مقررات بازار کار در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای غیر عضو شورای همکاری خلیج فارس

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های موسسه فریزر

نمودار (۵ قسمت ب)، تغییر LMRI را در دو گروه کشورهای اشاره شده در فاصله زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ نشان می‌دهد. نمودار (۵ قسمت ب) چندین نتیجه جالب را نشان می‌دهد: (۱) مقررات بازار کار گروه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در مقایسه کشورهای غیر عضو منعطف‌تر می‌باشد؛ (۲) در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ اختلاف انعطاف‌پذیری بازار کار این دو گروه کشور بسیار بالا بوده که این اختلاف در سال ۲۰۰۷ به حداکثر مقدار یعنی ۲٫۳۱ رسیده است؛ (۳) در گروه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس انعطاف‌پذیری بازار کار از سال ۲۰۱۰ روند نزولی داشته در حالی که انعطاف‌پذیری بازار کار کشورهای گروه غیر عضو تقریباً روند باثباتی داشته به صورتی که رفته رفته اختلاف انعطاف‌پذیری بازار کار این دو گروه کشورها در طول زمان کاهش یافته است.



نمودار ۶: همبستگی بین نرخ اشتغال جوانان و مقررات بازار کار در ۱۷ کشور منطقه منا در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹

منبع: یافته‌های پژوهش

در نهایت، نمودار (۶) ارتباط بین متوسط نرخ اشتغال جوانان و مقررات بازار کار (برای هر کشور) را در طول دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ ترسیم می‌کند. می‌توان بیان کرد ارتباط بین این دو متغیر چندان قوی نیست، به عبارتی برای تعداد بسیار کمی از کشورها همبستگی قوی به نظر می‌رسد برای اکثر کشورها همبستگی پایین آشکار است. برای مثال برای کشورهای عربستان سعودی، مالت و امارات متحده عربی که دارای ارزش متوسط مقررات بازار کار یکسان هستند، نرخ اشتغال جوانان در کشور عربستان سعودی بیش از چهار برابر پایین‌تر از دو کشور دیگر است. برای شاخص مقررات بازار کار تقریباً یکسان، نرخ اشتغال جوانان در کویت و قطر متفاوت است. بنابراین با توجه به اثر انعطاف‌پذیری بر نرخ اشتغال جوانان می‌توان نتیجه گرفت که اثر این متغیر بر اشتغال جوانان هم در طول زمان و هم در بین مقاطع مختلف، متفاوت می‌باشد.

مطالعات زیادی در خصوص مقررات‌زدایی بازار کار برای کشورهای اروپایی و کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه انجام گرفته است، اما، مطالعات چندانی در رابطه با

تأثیر مقررات زدایی بازار کار بر اشتغال جوانان در کشورهای منا صورت نگرفته است. بنابراین، در این مطالعه به بررسی مقررات بازار کار (انعطاف‌پذیری بازار کار) بر اشتغال جوانان با روش گشتاورهای تعمیم‌یافته تفاضلی دو مرحله‌ای D-GMM و همچنین روش گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی دو مرحله‌ای S-GMM برای استحکام نتایج در ۱۷ کشور منطقه منا در بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۵، پرداخته شده است تا بر اساس آن ضرورت اصلاح مقررات بازار کار در این منطقه مشخص شود.

### ۳- پیشینه پژوهش

لیوتی (۲۰۲۰) در مطالعه خود، به بررسی تأثیر شاخص مقررات بازار کار (انعطاف‌پذیری بازار کار) بر بیکاری جوانان برای ۲۸ کشور اروپایی در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ پرداخته است. نتایج تجربی این پژوهش با استفاده از دو روش برآوردی اثرات ثابت و میانگین گروهی PMG، نشان می‌دهد که تأثیر شاخص مقررات بازار کار بر بیکاری جوانان مبهم است ولی در عین حال تأثیر دو متغیر اقتصادی و اجتماعی یعنی رشد اقتصادی و سیاست‌های فعال بازار کار بر بیکاری جوانان منفی و معنادار است. او در این پژوهش به نقش محیط اقتصادی مناسب برای رشد اقتصادی از طریق سیاست مالی اشاره می‌کند. گسترش مالی ناشی از افزایش سرمایه‌گذاری دولت می‌تواند سبب رشد اقتصادی بالاتر و در نتیجه کاهش بیکاری شود. سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های استراتژیک همراه با مخارج عمومی بالاتر در سیاست‌های بازار کار فعال این امکان را برای جوانان فراهم می‌کند که آسان‌تر به بازار کار بدون کاهش حقوق اجتماعی دسترسی پیدا کنند.

بایار و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در مطالعه خود بیان کردند که مطالعات بسیاری تاکنون در مورد اثرگذاری مقررات بازار کار و مقررات کسب و کار بر بیکاری صورت گرفته است اما مطالعه جامعی در مورد تعامل واقعی بین مقررات بازار کار و مقررات کسب و کار از یک سو و بیکاری از سوی دیگر صورت نگرفته است، بنابراین آن‌ها به این مسئله در کار پژوهشی خود پرداختند. از سوی دیگر، آن‌چه که مطالعه آن‌ها را از سایر مطالعات در این حوزه متمایز می‌کند بررسی هم‌انباشتگی پانل (اثرات بلندمدت) مقررات بازار کار و مقررات کسب و کار بر بیکاری در ۱۱ اقتصاد اروپایی

<sup>1</sup>. Liotti

<sup>2</sup>. Bayar et al.

در حال گذار بود. تحلیل هم‌انباشتگی پژوهش آن‌ها نشان داد در کل نمونه مورد تجزیه و تحلیل، مقررات بازار کار و مقررات کسب و کار اثر معناداری بر بیکاری ندارند. با این وجود، ضرایب هم‌انباشتگی فردی نشان داد که مقررات بازار کار بازار محور، بیکاری در بلغارستان، لهستان و رومانی را کاهش و در مجارستان، لتونی، لیتوانی و اسلونی افزایش داده است. در همین حال، مقررات کسب و کار بازار محور، بیکاری را در جمهوری چک، لتونی و لهستان کاهش و در کرواسی و اسلونی افزایش داده است. محققان این پژوهش اظهار داشتند توضیح این نتایج را می‌توان در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی - اقتصادی کشورهای اروپایی یافت. این محققان اظهار داشتند سیاست‌گذاران باید ویژگی‌های خاص اقتصاد خود مانند سطح و ساختار بیکاری در مناطق و گروه‌های جمعیتی، سطح مهارت یا ترجیحات مردم برای حمایت اجتماعی از کارگران، اطمینان از تطابق بین الزامات بازار کار و مهارت‌های بالقوه کارکنان از طریق برنامه آموزشی مناسب و کاهش ریسک‌ها و هزینه‌های کسب و کار و اطمینان از فساد کمتر در محیط کسب و کار را در نظر بگیرند تا مناسب‌ترین تصمیم در جهت کاهش بیکاری اتخاذ شود.

فرایر و همکاران<sup>1</sup> (۲۰۱۹) در تحقیق خود به بررسی تأثیر فعالیت‌های اقتصادی و قوانین حمایت اشتغال بر نرخ اشتغال و بیکاری در کشورهای عضو اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۲ پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد، پویایی اشتغال و بیکاری با تغییرات در فعالیت‌های اقتصادی بیشتر از قوانین حمایت اشتغال توضیح داده می‌شود، که این نتیجه‌گیری آن‌ها تحت تأثیر انتخاب نوع متغیر توضیحی نشان دهنده فعالیت اقتصادی (یعنی رشد تولید ناخالص داخلی و یا رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص)، انتخاب دوره زمانی (کل دوره مطالعه، یعنی از ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۲، بازه زمانی قبل از بحران مالی جهانی و دوره پس از بحران) است. از سوی دیگر، نتایج تحقیق نشان می‌دهد قدرت توضیح‌دهندگی رشد سرمایه ثابت ناخالص در توضیح اشتغال و بیکاری بیشتر از رشد تولید ناخالص داخلی است. این نتیجه آن‌ها اثباتی بر اعتبار رویکردهای پسا‌کینزی مبنی بر تحرک سرمایه‌گذاری‌های مولد به عنوان ابزاری کلیدی برای کاهش نرخ بالای بیکاری در اکثر اقتصادهای اروپایی است. همچنین بیان کردند که با توجه به تأثیر حمایت اشتغال بر اشتغال و بیکاری، نمی‌توان به طور قطعی استدلال کرد که سطح انعطاف‌پذیری بازارهای کار در کشورهای اتحادیه اروپا اثر

<sup>1</sup>. Ferreior et al.

قابل توجهی بر اشتغال یا بیکاری دارند، زیرا نتایج به دست آمده به دوره زمانی تحلیل، قرار دادن متغیرهای مجازی منعکس کننده بحران‌ها و متغیرهای توضیحی مربوط به فعالیت‌های اقتصادی بستگی دارد.

سرکار<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) اثر مقررات بازار کار (سختی بازار کار) و زیر شاخص آن یعنی مقررات اخراج را بر اشتغال کل و اشتغال جوانان بررسی کرده است. او برای مطالعه خود از یک نمونه آماری متشکل از ۱۰۸ کشور به صورت کلی و دو زیر نمونه، نمونه اول ۲۳ کشور توسعه یافته و نمونه دوم ۸۵ کشور در حال توسعه و در حال ظهور در طول دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۳ و شاخص مقررات بازار کار پایگاه CBR استفاده کرد. نتایج بررسی تجربی او نشان داد که دیدگاه ارتدکس در رابطه اثر منفی مقررات سخت گیرانه بازار کار بر اشتغال به ویژه اشتغال جوانان مردود است. به عبارتی یافته‌های پژوهش او تأثیر مثبت مقررات بازار کار (انعطاف‌ناپذیری) بر اشتغال را نشان می‌دهد.

دووال و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) به بررسی پویایی اثرات اقتصاد کلان اصلاحات بازار کار و بازار محصول (مقررات زدایی) بر متغیرهای اشتغال، تولید و بهره‌وری نیروی کار پرداختند و بیان کردند که چگونه اثر این اصلاحات با وضعیت‌ها و سیاست‌های اقتصاد کلان حاکم تغییر می‌کند. برای این منظور از روش تصویر موضعی محلی<sup>۳</sup> و پایگاه داده جدید شوک‌های مربوط به اصلاحات ساختاری در ۲۶ اقتصاد پیشرفته در طول چهار دهه گذشته استفاده کردند. آن‌ها با توجه به توابع پاسخ آنی متغیرهای تولید، اشتغال و بهره‌وری نیروی کار به شوک‌های مربوط به اصلاحات بازار کار و اصلاحات بازار محصول، دریافتند اصلاحات مربوط به بازار محصول منجر به افزایش بهره‌وری نیروی کار و محصول می‌شود ولی این دستاوردها در صورت نبود سایر اصلاحات در حوزه‌های دیگر به کندی تحقق می‌یابند و اصلاحات بازار کار عمدتاً بر اشتغال اثرگذار است اما با دیگر انواع اصلاحات متفاوت است و برخلاف اصلاحات بازار محصول به شرایط کلی چرخه‌های تجاری وابسته هستند. آن‌ها نتیجه گرفتند که کاهش در اختلاف مالیاتی نیروی کار<sup>۴</sup> و افزایش مخارج عمومی مربوط به سیاست‌های بازار کار فعال به عنوان دو اصلاح کلیدی بازار کار در طول دوره

1. Sarkar

2. Duval et al.

3. Local Projection method

4. Labor Tax Wedge



رکود اثرات بزرگتری دارند تا حدی به این دلیل که آن‌ها شامل درجه‌ای از محرک‌های سیاست مالی هستند. در مقابل، اصلاحات مربوط به ترتیبات تسهیل حمایت اشتغال و کاهش مزایای بیکاری باعث کاهش تقاضای کل در زمان‌های رونق شده و می‌تواند در دوران رکود اثر انقباضی داشته باشد.

فلیگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) با استفاده از تصریح‌های مختلف مدل‌های داده‌های پانل، به بررسی تأثیر مهم‌ترین نهادهای بازار کار بر روند بیکاری استاندارد شده ۱۹ کشور عضو سازمان همکاری توسعه اقتصادی در طول بازه زمانی ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد نهادهای بازار کار از جمله قانون حمایت اشتغال سخت‌گیرانه، سیستم بیمه بیکاری سخاوتمندانه‌تر و اعمال مالیات بالاتر بر درآمد نیروی کار نرخ بیکاری را افزایش می‌دهد در حالی که تمرکز بیشتر در چانه‌زنی دستمزد بیکاری را کاهش می‌دهد. همچنین نتایج آن‌ها نشان می‌دهد اثر نهادی مانند تراکم اتحادیه بر بیکاری روشن نیست و به نظر می‌رسد چندان دارای اهمیت نباشد. آن‌ها نشان دادند نتایج در مدل‌های تجربی متفاوت با بازه زمانی متفاوت به شکل روشنی نشان دهنده این موضوع است که نهادهای بازار کار مهم‌ترین عوامل اثر گذار بر بیکاری هستند.

امین (۲۰۰۹) تأثیر مقررات بازار کار بر اشتغال را در سطح خرده‌فروشی در هند مطالعه کرد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مقررات منعطف بازار کار تأثیر مثبت و قوی بر خلق شغل دارد. برآوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که اصلاحات بازار نیروی کار احتمالاً اشتغال را در سطح خرده‌فروشی ۲۲ درصد نسبت به سطح فعلی افزایش می‌دهد از طرفی اصلاحات بازار نیروی کار اشتغال غیر رسمی را تا حدود ۳۳ درصد کاهش می‌دهد.

محمدی و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر مقررات‌زدایی بازار محصول و بازار کار در افق‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت بر رشد اقتصادی و بیکاری در کشورهای منطقه منا در فاصله زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ پرداختند. در این مطالعه تأثیر شاخص رقابت‌پذیری (تسهیل ورود و خروج بنگاه‌ها) و افزایش شاخص استخدام و اخراج (انعطاف‌پذیری بازار کار) در کوتاه‌مدت باعث کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری می‌شود و آثار رکودی دارد. زیرا در کوتاه‌مدت با کاهش موانع ورود و خروج به صنعت پس‌انداز خانوارها برای افزایش سرمایه‌گذاری و تأمین مالی بنگاه‌های جدیدالورود

<sup>۱</sup>. Flaig et al.

به صنعت افزایش و به تبع آن تولید، اشتغال و مصرف کاهش می‌یابد. همچنین با ورود بنگاه‌های جدید به صنعت و افزایش رقابت، بنگاه‌های غیر مولد تعطیل و افراد بیکار می‌شوند. افزایش مقررات‌زدایی هر دو بازار در بلندمدت باعث افزایش رشد اقتصادی و کاهش بیکاری می‌شود و آثار رونقی دارد زیرا در بلندمدت افزایش رقابت‌پذیری منجر به بهبود شرایط بنگاه‌ها طی زمان شده است و با افزایش تعداد بنگاه‌ها افراد جدیدی استخدام می‌شوند در نتیجه اشتغال و تولید افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، آن‌ها بیان کردند که مقررات‌زدایی بازار کار بر خلاف بازار محصول منجر به پویایی‌های بزرگ در رشد اقتصادی و اشتغال نمی‌شود زیرا به دلیل قوانین سخت‌گیرانه اخراج در کشورهای منطقه، بخش غیر رسمی در بازار کار این منطقه گسترده شده است و بنگاه‌های اقتصادی با بستن قراردادهای کاری موقت و متعدد توانسته‌اند موانع ناشی از قوانین کار را دور بزنند، از این رو مقررات سخت‌گیرانه اخراج نمی‌تواند عامل مهمی در جهت افزایش بیکاری باشد.

#### ۴- داده‌ها و روش پژوهش

##### ۴-۱- داده‌ها

در این مطالعه از نسبت اشتغال به جمعیت گروه جوان (نرخ اشتغال جوانان)، به عنوان متغیر وابسته استفاده می‌شود. این نسبت احتمال استخدام شخص ۲۴-۱۵ ساله را اندازه می‌گیرد و شاخص سهولت یافتن شغل برای جوانان است. دیگر اندازه رایج بازار کار که نشان دهنده ضعف بازار کار است نرخ بیکاری است. نرخ بیکاری یعنی نیروی کاری که شغل ندارد ولی فعالانه در جستجوی شغل است. اگر بازار کار برای مدت طولانی دچار رکود باشد ممکن است بسیاری از افراد از نیروی کار خارج شوند. این مسئله هم صورت و هم مخرج در عبارت نرخ بیکاری را کاهش می‌دهد. در نتیجه، امکان کاهش نرخ بیکاری در یک بازار کار که دچار رکود شده وجود دارد. انتقاد به نرخ بیکاری کاملاً طبیعی است زیرا نرخ بیکاری رکود در بازار کار را کمتر از مقدار واقعی نشان می‌دهد یا به عبارتی رکود بازار کار را نشان نمی‌دهد. در منطقه منا جوانان با موانع قابل توجهی در بازار کار مواجه هستند و در نتیجه احتمال بیشتری وجود دارد که جوانان از نیروی کار خارج شوند، بنابراین نرخ بیکاری موانعی که جوانان در بازار کار با آن مواجه هستند را کمتر نشان می‌دهد. طبق گزارش سازمان بین‌المللی نیروی کار، "نسبت اشتغال به جمعیت اطلاعاتی در مورد توانایی یک اقتصاد برای

خلق شغل را نشان می‌دهد؛ برای بسیاری از کشورها این شاخص اغلب شفاف‌تر از نرخ بیکاری است.<sup>۱</sup> نسبت اشتغال به جمعیت بوسیله افرادی که از نیروی کار خارج شدند تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد بنابراین از این نسبت جمعیت جوان استفاده می‌شود (گزارش سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۱۴: ۳۳).

متغیر توضیحی اصلی مقررات بازار کار (انعطاف‌پذیری بازار کار) است که از موسسه فریزر استخراج شده است. علاوه بر میزان انعطاف‌پذیری بازار کار، سایر متغیرهای کلان (که در ادبیات به عنوان عوامل تعیین‌کننده اشتغال جوانان در نظر گرفته شده است) در مدل گنجانده شده است. این متغیرهای کنترلی عبارتند از (۱) نرخ رشد اقتصادی (۲) نرخ تورم (۳) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (۴) باز بودن تجاری (۵) رانت نفت (۶) نرخ شهرنشینی (۷) رشد جمعیت (۸) شاخص کیفیت حاکمیت (۹) شاخص دموکراسی. منطبق در نظر گرفتن این متغیرهای کنترل به شرح زیر است:

افزایش نرخ رشد اقتصادی بر اساس قانون اوکان؛ سطح نرخ بیکاری را کاهش می‌دهد. با این وجود این دیدگاه در گذشته مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. آگیون و هویت (۱۹۹۴) بیان می‌کنند که رشد اقتصادی دو اثر متضاد بر اشتغال دارد. اثر اول سرمایه‌گذاری است، با افزایش رشد اقتصادی نرخ بازده سرمایه‌های فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد فعالیت‌های جدید افزایش می‌یابد، اثر سرمایه‌گذاری باعث ایجاد بنگاه‌های جدید و در نتیجه خلق شغل‌های جدید می‌شود. در مقابل اثر دوم یعنی تخریب نوآورانه<sup>۴</sup> منجر به کاهش اشتغال و افزایش بیکاری می‌شود. با افزایش رشد اقتصادی ناشی از تخریب نوآورانه زمان لازم برای تطبیق نیازهای جدید شغلی با نیروی کار موجود کاهش می‌یابد و در صورت وجود اصطکاک در بازار کار (به خصوص در جستجوی کار) در نهایت به کاهش اشتغال منجر می‌شود. در نتیجه افزایش اشتغال یا کاهش آن بر اثر رشد به این بستگی دارد که کدام یک از اثرها بزرگتر باشد.

نرخ تورم طبق دیدگاه برخی نویسندگان مانند چودری و همکاران (۲۰۱۲ الف و ب) بایستی به افزایش اشتغال کمک کند زیرا با توجه به اینکه دستمزدها از طریق قراردادهای جمعی از قبل

1. Okun's Law

2. Aghion and Howit

3. Capitalization

4. Creative Destruction

5. Choudry et al.

تعیین شده، افزایش قیمت‌های عمومی دستمزدهای واقعی را کاهش می‌دهد و به بنگاه‌ها اجازه می‌دهد تقاضای نیروی کار را افزایش دهند و سود بالاتری بدست آورند، با این وجود لازم است دیدگاه مخالف را نیز بیان کنیم که فرض می‌کند تورم، به ویژه وقتی توسط مقامات تحت کنترل نباشد، می‌تواند اثرات مخربی بر اشتغال داشته باشد. در واقع افزایش نرخ تورم، که دستمزدهای واقعی را کاهش می‌دهد منجر به کاهش تقاضای کل داخلی و کاهش سطح تولید می‌شود بدون دخالت عوامل خارجی (به عنوان مثال افزایش صادرات)، تورم می‌تواند به کاهش اشتغال جوانان کمک کند.

باز بودن تجاری یعنی جمع صادرات و واردات کالا و خدمات به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی. درجه باز بودن تجاری بیشتر، ممکن است فرصت‌های جدیدی برای تولیدکنندگان داخلی فراهم کند زیرا به بازارهای بین‌المللی بزرگتر دسترسی پیدا می‌کنند. از سوی دیگر استدلال شده است که تجارت بالاتر از طریق اثر مثبتی که بر رشد اقتصادی دارد ممکن است ریسک بی‌ثباتی سیاسی را کاهش دهد، با این وجود، باز بودن تجاری بالاتر در غیاب نهادهای قوی ممکن است تجارت غیر قانونی، قاچاق و فساد را افزایش دهد (فرزانگان، ۲۰۰۹). در چنین وضعیتی جوانان ممکن است از افزایش باز بودن تجاری نفع نبرند و حتی ممکن است شاهد افزایش نابرابری در بین افراد و بنگاه‌ها باشیم (باربیتری و اشنایدر، ۱۹۹۹) این افزایش نابرابری در طول آزادسازی تجاری سپس ممکن است ریسک درگیری را افزایش و به طور منفی بر شرایط بازار کار اثر بگذارد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق سه کانال می‌تواند بر اشتغال اثر بگذارد (جود و سیلاگی، ۲۰۱۶). اولین کانال زمانی است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت مستقیم شغل‌های جدیدی در کشورهای میزبان ایجاد کند و تأثیر آن زمانی بیشتر می‌شود که سرمایه‌گذاری خارجی به سمت بخش‌های کاربر‌هدایت شود. کانال دوم را می‌توان از طریق رقابت و اثرات سرریز توضیح داد، جایی که رقابت می‌تواند بنگاه‌های داخلی را از بازار خارج کند و پس از اینکه بنگاه‌های خارجی سهم بیشتری از بازار را کسب نمودند تقاضای خود را از نیروی کار افزایش و در نتیجه اشتغال افزایش می‌یابد. کانال سوم، سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند از طریق بنگاه‌های خارجی با

1. Barbieri & Schneider

2. Jude & Silaghi

تکنولوژی‌های افزایش بهره‌وری بالاتر که مستلزم نیروی کار کمتر به ازای هر محصول است اشتغال را کاهش دهد زیرا تکنولوژی پیشرفته بنگاه جایگزین نیروی کار شده از این رو افراد کمتری را نسبت به بنگاه‌های داخلی استخدام می‌کند. بنابراین این سه کانال روشن می‌کند که اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر اشتغال مبهم است و وابستگی به قدرت هر یک از این سه کانال دارد.

رانت نفت به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی عبارت است از تفاوت بین ارزش تولید نفت خام به قیمت جهانی و کل هزینه‌های تولید (بانک جهانی، ۲۰۲۰). منطقه منا از نظر منابع نفتی غنی، و به طور متوسط ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی این منطقه به رانت نفت بستگی دارد. همچنین تنوع قابل توجهی در میان کشورهای منطقه منا در رابطه نقش رانت نفت در توسعه اقتصادی وجود دارد (بن علی و همکاران؛ ۲۰۱۶). این سهم از حداقل صفر (لبنان و مالت) تا حداکثر ۶۰ درصد (کویت در سال ۲۰۱۱) متغیر است. رانت نفت ممکن است اثرات مثبت و منفی بر فرصت‌های شغلی جوانان داشته باشد. از یک طرف رانت‌های بالاتر از طریق کانال بیماری هلندی ممکن است رقابت‌پذیری صنایع داخلی در بازارهای جهانی را با افزایش نرخ ارز موثر واقعی کاهش دهد، از سوی دیگر، اگر رانت‌ها به نحو صحیح مدیریت شوند از طریق اعتبارات مالی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و سرمایه‌های انسانی برای ارتقای بخش خصوصی غیر نفتی تخصیص داده شود، ممکن است شاهد بخش برکت رانت‌ها نیز باشیم.

نرخ شهرنشینی: از نظر تئوری، تأثیر مهاجرت از روستا به شهر بر نرخ بیکاری (یا نرخ اشتغال) به عرضه و تقاضای نیروی کار بستگی دارد. عرضه به تعداد و مهارت‌های مهاجران و تقاضا به اندازه، ساختار و ماهیت تقاضای نیروی کار اشاره دارد (تودارو؛ ۱۹۶۹، هریس و تودارو؛ ۱۹۷۰، رانیس و فی؛ ۱۹۶۱، ۱۹۶۴، سن؛ ۱۹۶۶). بنابراین، ممکن است به دلیل عدم تطابق در بازار کار نرخ بیکاری افزایش یابد. شهرنشینی سریع در مواجهه با تقاضای محدود نیروی کار در مناطق شهری مازاد نیروی کار ایجاد کرده که اغلب غیر ماهر هستند. بر این اساس با وجود فرصت‌های شغلی

1. Ben Ali et al.

2. Todaro

3. Harris and Todaro

4. Ranis & Fei

5. Sen

ممکن است بیکاری افزایش یابد. آنگریست و کوگلر<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) نشان دادند افزایش مهاجرت در کشورهای با درجه بیشتر سختی بازار کار منجر به افزایش اشتغال نمی‌شود. اطلاعات کمی در مورد اثر مهاجرت بر اشتغال در کشورهای در حال توسعه از جمله منا وجود دارد. نکته جالب این است که علیت دقیقی بین مهاجرت و بیکاری جوانان نیست. آنچه کشورهای منطقه منا باید برای کاهش بیکاری به خصوص در میان جوانان خود انجام دهند، توسعه یک استراتژی جامع است که جوانان ملی خود را برای کسب مهارت در مشاغل فنی با تقاضای نیروی کار کافی تشویق کند.

نرخ رشد جمعیت در توضیح نرخ اشتغال جوانان اهمیت دارد. کشورهایی با رشد جمعیت بالاتر ممکن است فشار فزاینده‌ای بر منابع کمیاب وارد کنند و افراد را فقیرتر کنند که سپس ممکن است هزینه فرصت نابسامانی مدنی، سرمایه‌گذاری و رشد را کاهش دهد. البته رشد جمعیت بالاتر به صورت خود به خود منجر به بی‌ثباتی و درگیری نمی‌شود این ارتباط به ظرفیت کشورها در تخصیص منابع و حفظ امنیت و نظم وابسته است. داده‌های ما تغییر معنی‌داری در رشد جمعیت در منطقه منا را نشان می‌دهد، دامنه‌ای از حدود ۳٪- سوریه (۲۰۱۴) تا حداکثر ۱۶٪ قطر (۲۰۰۷) است. شاخص حاکمیت میانگین سه بعد کیفیت حاکمیت یعنی ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کیفیت قانون‌گذاری که از شاخص‌های حکمرانی جهانی بانک جهانی است. این شاخص‌ها درک کارشناسان کشورها در رابطه با جنبه‌های ضروری حاکمیت برای عملکرد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، کسب و کار و فرصت شغلی برای جوانان را اندازه می‌گیرد. انتظار می‌رود که کشورها با سطح بالاتر کیفیت حاکمیت، سطح بیکاری جوانان کمتری داشته باشند.

شاخص دموکراسی بالاتر می‌تواند به معنای این باشد که رأی‌دهنده میانه تأثیر بیشتری دارد از آن‌جا که رأی‌دهنده میانه به احتمال زیاد یک کارگر یا حتی عضو اتحادیه کارگری است تا یک کارفرما تأثیر دموکراسی بر آزادسازی بازار کار (دخالت کمتر دولت) می‌تواند مبهم و یا حتی منفی باشد. در نتیجه می‌توان گفت اثر دموکراسی بر اشتغال مبهم است (شاخص Polity Iv)<sup>۲</sup>.

1. Angrist & Kugler

2. Median Voter

3. Index Polity Iv

متغیر مجازی مقررات بازار کار کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را جهت بررسی اثرات متفاوت معیار انعطاف‌پذیری بازار کار در این گروه کشورها در مقایسه با کشورهای غیر عضو در مدل استفاده کردیم.

#### ۴-۲- روش پژوهش

در این مقاله به دلیل مسأله درون‌زایی ناشی از حضور متغیر وابسته تأخیری در سمت راست معادله از روش پانل دیتای پویا استفاده می‌شود. این روش می‌تواند با به کارگیری متغیرهای ابزاری مناسب این مشکل را برطرف کند. لازم به اشاره است که شرط لازم برای استفاده این روش این است که تعداد برش‌های مقطعی یا تعداد واحدهای مقطعی در مقایسه با دوره زمانی مورد بررسی بزرگ‌تر باشد.

برای بررسی تأثیر  $LMRI$  بر اشتغال جوانان در ۱۷ کشور منطقه منا معادله زیر برآورد شده است:

$$Yemp_{it} = \alpha_i + \beta_0 Yemp_{i,t-1} + \beta_1 LMRI_{i,t-1} + \sum_{j=0}^1 \beta_k X_{i,t-j} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

جایی که  $Yemp_{it}$  نرخ اشتغال جوانان در زمان  $t$  و  $Yemp_{i,t-1}$  نرخ اشتغال جوانان در زمان  $t-1$  و  $LMRI_{i,t-1}$  شاخص مقررات بازار کار،  $X$  مجموعه دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر نرخ اشتغال جوانان است.  $i$  مقاطع،  $\beta_0$ ،  $\beta_1$ ،  $\beta_k$  ضرایب برآوردی هستند  $\varepsilon$  جمله خطا و  $\alpha_i$  اثرات ثابت غیر قابل مشاهده تأثیرگذار بر مقاطع در پانل دیتا است. استراتژی تجربی فرض می‌کند که سطح اشتغال جوانان به ارزش‌های قبل آن وابسته است. در حالی که وجود یک دوره وقفه متغیر توضیحی اصلی ( $LMRI$ ) با این فرضیه در ادبیات که علّت از انعطاف‌پذیری به اشتغال است و برعکس آن صادق نیست، منطبق است.

در این فرمول، اجزای جمله اخلاص  $\alpha_i$   $\varepsilon_{it}$  دارای توزیع مستقل نرمال بوده و به صورت زیر توزیع شده‌اند. این دو جزء مستقل از هم بوده و خود همبستگی سریالی نیز ندارند.

$$\begin{aligned} \alpha_i &\approx iid(0, \delta_\alpha^2) \\ \varepsilon_{it} &\approx iid(0, \delta_\varepsilon^2) \end{aligned} \quad (2)$$

با فرض اینکه  $U_{it}$  از مدل جزء خطای یک طرفه تبعیت می کند به عبارتی تنها عامل تفاوت، مقطع هستند داریم:

$$U_{it} = \alpha_i + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

با توجه به همبستگی متغیر  $Yemp_{it}$  با اثرات ویژه فردی  $\alpha_i$  سبب همبستگی متغیر وابسته وقفه دار با جمله اخلاص  $U_{it}$  می شود. بنابراین حتی اگر  $U_{it}$  خود همبستگی سریالی نداشته باشد، باز هم برآورد گره های  $OLS$  ناسازگار و تورش دار می باشند و بنابراین نمی توان از آن ها برای تخمین مدل استفاده نمود. برای حل این مشکل روش هایی پیشنهاد شده است. یک راه برای حذف اثرات ثابت و ویژه، تفاضل گیری است. این امر برای اولین بار توسط آندرسون و هشیائو (۱۹۸۱) بیان شد. یعنی خواهیم داشت:

$$(Yemp_{it} - Yemp_{i,t-1}) = \alpha(Yemp_{i,t-1} - Yemp_{i,t-2}) + (X_{it} - X_{i,t-1})\beta + (u_{it} - u_{i,t-1}) \quad (4)$$

در این صورت برآورد گره های  $OLS$  باز هم ناسازگار می باشند. اما می توان با معرفی متغیرهای ابزاری مناسب برآورد گره های سازگاری را به دست آورد (اما نه ضرورتاً کارا). از سوی دیگر عمل تفاضل گیری باعث جمله خطای جدیدی می شود که  $MA(1)$  بوده و ریشه واحد دارد (آندرسون و هشیائو، ۱۹۸۱).

آندرسون و هشیائو پیشنهاد کردند که معادله تفاضلی درجه اول شماره (۴) را می توان با

تخمین زن های متغیر ابزاری تخمین زد. آن ها  $Yemp_{i,t-2}$  را به عنوان متغیر ابزاری برای

-  $Yemp_{it}$  در نظر گرفتند.  $Yemp_{i,t-2}$  یک متغیر ابزاری معتبر می باشد. زیرا با

-  $\overline{Yemp_{i,t-1}}$  همبسته بوده اما با  $u_{it} - u_{i,t-1}$  همبسته نیست (البته مادامی که  $u_{it}$  طبق

فروض ابتدایی خود همبستگی نداشته باشد). برای تخمین پانل پویا می توان از تخمین زننده های

آندرسون و هشیائو، آرانو و باند؛ آرانو و باور<sup>۳</sup> و نیز بلوندل و بوند<sup>۴</sup> نام برد. مدل پیشنهادی

آندرسون - هشیائو، مدل  $2SLS$  و مدل پیشنهادی آرانو و باند و بلوندل و باند، مدل گشاور

تعمیم یافته ( $GMM$ ) است. آرانو و باند برای تخمین مدل های پانل پویا از تخمین زننده های روش

<sup>1</sup>. Anderson & Hsiao

<sup>2</sup>. Arellano & Bond

<sup>3</sup>. Arellano & Bover

<sup>4</sup>. Blundell & Bond



گشتاور تعمیم یافته استفاده می کنند. آن ها در دو مرحله این تخمین زن را اجرا می کنند. برای هر سالی به دنبال متغیرهای ابزاری موجود برای آن می گردیم. اگر معادله تفاضلی (۴) برای دوره  $t = 3$  اجرا شود، خواهیم داشت:

$$(Yemp_{i3} - Yemp_{i2}) = \alpha (Yemp_{i2} - Yemp_{i1}) + (X_{i3} - X_{i2}) + (u_{i3} - u_{i2}) \quad (5)$$

با فرض اینکه متغیرهای توضیحی برونزا حداقل از پیش تعیین شده باشند، می توان متغیرهای  $X_{i2}$ ،  $X_{i1}$ ،  $Yemp_{i1}$  را به عنوان متغیرهای ابزاری مناسب در نظر گرفت چرا که این متغیرها همان شرط همبسته نبودن با  $u_{it} - u_{i,t-1}$  و همبسته بودن با  $\overline{Yemp}_{i,t-1} - Yemp_{i,t-1}$  را برقرار می نمایند. اگر  $t = 4$  مد نظر باشد، خواهیم داشت:

$$(Yemp_{i4} - Yemp_{i3}) = \alpha (Yemp_{i3} - Yemp_{i2}) + \beta (X_{i4} - X_{i3}) + (u_{i4} - u_{i3}) \quad (6)$$

در این صورت  $yemp_{i1}$ ،  $yemp_{i2}$ ،  $x_{i1}$ ،  $x_{i2}$ ،  $x_{i3}$  به عنوان متغیر ابزاری معتبر مطرح می باشند. اگر این استدلال را ادامه دهیم به مجموعه متغیرهای ابزاری خواهیم رسید:

$$[yemp_{i1} \ yemp_{i2} \ \dots \ yemp_{i,T-2}, x_{i1}, x_{i2}, \dots, x_{i,T-1}] \quad (7)$$

به خاطر این مسئله که عمل تفاضل گیری خودهمبستگی مرتبه اول را بر جملات خطا تحمیل می کند، تخمین زن مرتبه اول، از ماتریس کوواریانس استفاده می کند که این خودهمبستگی را مد نظر گرفته است. تخمین زن  $GMM$  دو مرحله ای آرلانو باند زمانی که متغیرهای ابزاری به خاطر استفاده از اطلاعات به شکل تفاضلی آن ها ضعیف باشند، نسبتاً ناکارا می باشد. بلوندل و باند پیشنهاد کردند که بایستی در کنار متغیرهای تفاضلی از اطلاعات اضافی دیگری نیز که مربوط به سطح متغیرها می باشد، استفاده کرد بلوندل و باند (۱۹۹۸). ترکیب محدودیت های گشتاوری برای متغیرها در سطح تفاضل و متغیرهای سطوح، تخمین زنی را نتیجه می دهد که توسط آرلانو و باند به تخمین زن  $GMM$  سیستمی مشهور شده اند. در این حالت تعداد  $T - 2$  محدودیت متعامدی در سطح وجود دارند که به کار برده شده اند. تخمین زن مرتبه اول، از ماتریس کوواریانسی استفاده می کند که خودهمبستگی جملات اختلال را در نظر گرفته و به معادلات سطح نیز بسط داده است.

آماره آزمون سارگان- هانسن توسط آرلانو و باند، بلوندل بوند و آرلانو باور پیشنهاد شده است. این آزمون اعتبار کل ابزارهای به کار رفته را می سنجد. آزمون سارگان- هانسن برای بررسی

معتبر بودن متغیرهای ابزاری تعریف شده در مدل و اعتبار محدودیت‌های بیش از حد شناسایی، مورد استفاده قرار می‌گیرد و به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$s = \sum z'z'(z'_i H_i z_i)^{-1} z' \Sigma \quad (8)$$

در این آزمون  $\hat{\Sigma} = \widehat{yemp} - x \hat{\sigma}$  و ماتریس  $1 \times K$  از ضرایب برآورد شده، ماتریس متغیرهای ابزاری، ماتریس با ابعاد  $T - (1 - q)$  است که در آن  $T$  مشاهدات،  $q$  تعداد متغیرهای توضیحی مدل می‌باشد. همچنین برای اعتبار متغیرهای ابزاری تعریف شده در مدل دو فرضیه را بررسی می‌کنیم:

$$\begin{cases} H_0: m(\theta_0) = 0 \\ H_1: m(\theta) \neq 0 \end{cases} \quad (9)$$

در آزمون سارگان-هانسن فرض  $H_0$ ، اعتبار محدودیت‌های بیش از حد شناسایی و مبتنی بر معتبر بودن مدل می‌باشد و فرض جایگزین  $(H_1)$ ، همبستگی بین متغیرهای ابزاری با اجزاء اخلال را نشان می‌دهد به عبارتی عدم اعتبار محدودیت‌های بیش از حد شناسایی را نشان می‌دهد.

## ۵- برآورد مدل و تفسیر نتایج

پیش از برآورد مدل برای جلوگیری از مسئله رگرسیون کاذب نیاز به بررسی مانایی متغیرها است. بدین منظور مانایی متغیرها را با استفاده از آزمون‌های دیکی فولر تعمیم یافته که تحت عنوان ADF آمده است و آزمون ایم، پسران و همکاران که به نام IPS در تحقیق آمده است بررسی می‌کنیم.

جدول ۱: آزمون ریشه واحد

آزمون‌ها		علامت اختصاری	متغیرها
Im, pesaran And Shin	ADF-Fisher		
آماره محاسبه شده و سطح احتمال	آماره محاسبه شده و سطح احتمال		
-۲,۲۵۵ (۰,۰۱۲)	۹,۷۸۵ (۰,۰۰۰)	Yemp	اشتغال
-۷,۲۳۷ (۰,۰۰۰)	۱,۹۰۲ (۰,۰۰۰)	LMRI	مقررات نیروی کار
-۲,۳۱۳ (۰,۰۱۰)	۷,۴۰۹ (۰,۰۰۰)	Growth	رشد اقتصادی
-۲,۲۲۲ (۰,۰۱۳)	۲,۸۴۹ (۰,۰۰۲)	Inflation	تورم
-۱,۶۷۶	۶,۰۹۴	lngdp	لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه

(۰,۰۴۶)	(۰,۰۰۰)		
-۳,۸۰۳ (۰,۰۰۰)	۲,۰۴۶ (۰,۰۲۰)	<b>Fdi</b>	سرمایه گذاری مستقیم خارجی
-۰,۴۳۲ (۰,۳۳۲)	۳,۵۷۸ (۰,۰۰۰)	<b>Oilrent</b>	رانت نفت
-۲,۶۰۰ (۰,۰۰۴)	۴۷,۴۰۹ (۰,۰۰۰)	<b>Urbanization</b>	شهر نشینی
-۱۳,۱۰۴ (۰,۰۰۰)	۴۵,۵۱۰ (۰,۰۰۰)	<b>Popgrowth</b>	رشد جمعیت
-۱,۷۷۰ (۰,۰۳۸)	۳,۱۷۵ (۰,۰۰۰)	<b>Trade</b>	باز بودن تجاری
-۱,۵۵۵ (۰,۰۵۹)	۴,۳۹۷ (۰,۰۰۰)	<b>Goverindex</b>	شاخص حاکمیت
-۵,۵۰۷ (۰,۰۰۰)	۱۵,۲۲۷ (۰,۰۰۰)	<b>Democracy</b>	شاخص دموکراسی

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از مانایی متغیرها نشان می‌دهد که متغیرهای اشتغال، مقررات نیروی کار، رشد اقتصادی، تورم، لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه، سرمایه‌گذاری خارجی، شهرنشینی، رشد جمعیت، بازبودن تجاری و شاخص دموکراسی در سطح مانا بوده ولی متغیرهای رانت نفت در آزمون ایم پسران در سطح نامانا و با یک بار تفاضل گیری مانا می‌شود ولی همین متغیر در آزمون دیکی فولر تعمیم یافته در سطح مانا و متغیر شاخص حاکمیت تنها در یک آزمون در سطح ده درصد مانا و در آزمون دیگر در سطح پنج درصد مانا می‌شود. چنانچه متغیرهای مورد بررسی که نامانا هستند، در برآورد ضرایب مدل اقتصادسنجی مورد استفاده قرار گیرند ممکن است نتیجه به یک رگرسیون کاذب بیانجامد. روش سنتی برای دوری از بدست آوردن یک ارتباط کاذب بین متغیرهای سری زمانی آن بوده است که یک متغیر زمانی را بین متغیرهای مستقل الگو لحاظ کنند. اضافه کردن این متغیر به صورت صریح در معادله رگرسیون، اثر رونددائی داشته و موجب می‌شود تا تأثیر روند از متغیرهای الگو حذف شود و در نتیجه ضرایب برآورد شده الگو تأثیر خالص متغیرها بر یکدیگر را نشان دهند. اما وقتی که متغیرهای مورد بررسی روند - پایا نیستند، اضافه کردن روند زمانی در بین متغیرها یا کم کردن روند قطعی از متغیرها موجب مانایی این متغیرها نخواهد شد. در نتیجه به

کارگیری روش‌های معمول اقتصادسنجی با استفاده از داده‌های آماری نامانا موجب خواهد شد تا آزمون‌های  $F$  و  $t$  از اعتبار لازم برخوردار نباشند و محقق به استنباط‌های آماری غلطی در مورد شدت و میزان ارتباط بین متغیرها کشانیده شود. آزمون همجمعی کمک می‌کند تا رگرسیون بدون نگرانی از کاذب بودن بر اساس سطح متغیرها برآورد شود. برای این منظور جهت بررسی هم‌انباشتگی و وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو از آزمون هم‌انباشتگی کائو استفاده می‌شود. فرض صفر این آزمون، عدم وجود هم‌انباشتگی است و نتایج این آزمون برای تک به تک تصریح‌های اجرا شده در این مطالعه وجود هم‌انباشتگی را رد نمی‌کند (به جدول ارائه شده در پیوست مراجعه کنید). بنابراین وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو و عدم وجود رگرسیون کاذب بین متغیرهای الگو در این کشورها اثبات می‌شود و می‌توان متغیرها را به صورت سطح در رگرسیون‌ها به کار برد.

در این بخش بعد از انجام آزمون‌های مانایی و هم‌انباشتگی بین متغیرهای الگو و بدون نگرانی از بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌توان الگو را برآورد نمود.

برای تحلیل اثر خالص مقررات بازار کار و رشد اقتصادی بر اشتغال جوانان، ابتدا یک مدل پایه برآورد شده است. در این مدل فرض بر این است علاوه بر متغیر رشد اقتصادی سطح اشتغال جوانان در زمان  $t$  به سطح قبلی خود در زمان  $t-1$  و مقررات بازار کار با یک سال وقفه (زیرا تغییرات نهادهای بازار کار پس از گذشت یک دوره اثر خود را بر اقتصاد می‌گذارد)، بستگی دارد. سپس با استفاده از یک روش تکرار (روش بازگشتی) اثر مقررات بازار کار بر اشتغال جوانان را با اضافه کردن سایر متغیرها به مدل پایه برآورد می‌کنیم. همین روش را به منظور تأیید و استحکام روش گشتاورهای تعمیم‌یافته تفاضلی دومرحله‌ای D-GMM با روش گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی دومرحله‌ای S-GMM با این تفاوت که به جای متغیر رشد اقتصادی از لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه استفاده شود تکرار می‌کنیم. قبل از تفسیر نتایج اقتصادسنجی، تعیین اینکه آیا مدل تجربی شرایط لازم را برای اجرای روش D-GMM داراست، اهمیت دارد. بنابراین لازم است ابتدا بررسی کنیم که همبستگی سریالی مرتبه دوم در متغیر وابسته وجود ندارد و اعتبار مدل را از طریق آزمون

1. Co-Integration

2. Recursive Method

سارگان - هانسن تایید کنیم. در رابطه آزمون آرانو باند برای وجود همبستگی سریالی می توان به این نکته اشاره کرد که در تمامی برآوردهای جدول ۲ و ۳ فرضیه وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم رد شده که نشان دهنده اعتبار برآوردها است. علاوه بر این در جدول ۲ و ۳ آزمون سارگان - هانسن، محدودیت های بیش از حد شناسایی، اعتبار مدل را در تمام سطوح معناداری تأیید می کند. جدول ۲ و ۳ (از ستون ۱ تا ۱۰) نشان دهنده پویایی متغیر اشتغال است زیرا مقدار گذشته این متغیر در تمام تصریح ها به صورت معنادار بر ارزش جاری خود تأثیر دارد، دامنه تغییر این ضریب با فرض ثبات سایر شرایط بین ۰,۶۸۶ تا ۰,۸۹۳ در جدول ۲، ۰,۶۹۵ تا ۰,۹۸۷ در جدول ۳ متغیر است به این معنا با افزایش یک واحدی اشتغال در یک دوره قبل اشتغال جوانان را تقریباً ۰,۲ تا ۰,۲۹ درصد افزایش می دهد. با توجه به تأثیر رشد اقتصادی بر اشتغال، نتایج جدول ۳ نشان می دهد که با افزایش رشد اقتصادی اشتغال جوانان افزایش یافته، به عبارتی تأثیر رشد اقتصادی بر اشتغال جوانان مثبت و معنادار است. ضرایب تأثیر رشد اقتصادی بر اشتغال جوانان (از ستون ۱ تا ۱۰ جدول ۲) از ۰,۰۱۱ تا ۰,۱۶۷ متغیر است، به عبارتی با یک واحد افزایش در نرخ رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی) تقریباً ۰,۱۵ درصد اشتغال جوانان افزایش یافته که بیان کننده این است که اثر سرمایه گذاری از اثر تخریب نوآور بزرگتر بوده به عبارتی سرمایه گذاری در این منطقه به تشکیل بنگاه های جدید و در نتیجه خلق شغل کمک کرده که سبب بالا رفتن رشد اقتصادی و در نهایت منجر به افزایش اشتغال گردیده است، به جز تصریح های شماره ۶ و ۸، تأثیر این متغیر در سطوح (۱٪) و (۵٪) معنادار است، در روش برآوردی SYS-GMM در جدول شماره ۳ مشاهده می شود که متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه نیز اثر مثبت و معناداری بر متغیر اشتغال جوانان دارد که این می تواند نتایج روش برآوردی اول را تأیید کند. این یافته با قانون اوکان و همچنین مطالعات متعدد در زمینه رابطه مثبت اشتغال و رشد مطابقت دارد. عملکرد رشد بالاتر برای افزایش اشتغال در میان مدت لازم است اما کافی نیست. به ویژه، در غیاب اصلاحات ساختاری با هدف بهبود پاسخ گویی شرایط بازار کار به تغییرات در فعالیتهای اقتصادی رشد اقتصادی بالاتر احتمالاً تأثیر متوسط یا ناچیزی بر اشتغال جوانان خواهد داشت. در این زمینه، تعمیق سیاست های ساختاری مانند بهبود انعطاف پذیری بازار کار برای افزایش تقاضای نیروی کار در میان مدت و تسهیل ورود

کارگران بیرونی (کارگران جوان) ضروری است. در این زمینه، اصلاحات با هدف کاهش هزینه‌های جستجو و استخدام بسیار مهم خواهد بود.

چارچوب مفهومی فرضیه ما این است، با توجه به فرضیه نئوکلاسیک سطح بالاتر مقررات بازار کار (انعطاف‌پذیری بازار کار) نرخ اشتغال جوانان را در منطقه منا با فرض ثبات سایر شرایط افزایش می‌دهد. نتایج اقتصادسنجی گزارش شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری بازار کار اثر مثبت و عدم معناداری بر اشتغال جوانان دارد، تنها در تصریح شماره ۶ و ۷ زمانی که به ترتیب نرخ شهرنشینی و رشد جمعیت در مدل لحاظ می‌شود اثر این متغیر بر نسبت اشتغال به جمعیت جوانان مثبت و در سطح (۵٪) معنادار می‌شود. در تمام تصریح‌های تخمین SYS-GMM، به جز تصریح اول اثر معناداری بر اشتغال جوانان ندارد. با توجه به نتایج گزارش شده در جدول شماره (۲) با افزایش یک واحد انعطاف‌پذیری اشتغال جوانان تقریباً ۳٫۹۹ درصد افزایش می‌یابد. با توجه به عدم معناداری در اکثر رگرسیون‌ها نمی‌توان با قاطعیت تئوری نئوکلاسیک را در این زمینه پذیرفت. با توجه به آن‌چه در مبانی نظری گفته شد، لازم است اثر سایر متغیرهای اثرگذار بر اشتغال جوانان نیز کنترل شود، در اینجا فقط اثر متغیرهای معنادار در قسمت تفسیر نتایج، تفسیر می‌شود. در مورد متغیر نرخ تورم یک ارتباط مثبت با نرخ اشتغال جوانان یافت شده هر چند که در مدل D-GMM این اثر معنادار نیست ولی در S-GMM اثری مثبت و معنادار یافت شده است. این ارتباط مثبت بیان می‌کند با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها دستمزد واقعی کاهش یافته و به دنبال آن تقاضای بنگاه‌ها برای نیروی کار افزایش یافته و در نتیجه اشتغال افزایش می‌یابد.

در مورد متغیر سرمایه‌گذاری خارجی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی در هر دو تخمین اثر مثبت و معنادار آن بر اشتغال جوانان تأیید شده است. این نتیجه با تحلیل اینکه افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در کشور میزبان می‌تواند بستری برای خلق فرصت‌های شغلی برای جوانان و در نتیجه افزایش اشتغال آن‌ها در کشور میزبان شود، همسو است و تأثیر آن زمانی بیشتر می‌شود که سرمایه‌گذاری خارجی به سمت بخش‌های کاربر‌هدایت شود. رابطه منفی باز بودن تجاری و اشتغال جوانان (با توجه به مطالعه فرزناگان، ۲۰۰۹) با بیان اینکه در اقتصادهایی که نهادهای قوی ندارند درجه باز بودن تجاری نه تنها شرایط بازار کار آن‌ها را بهبود نمی‌بخشد بلکه منجر به افزایش قاچاق و فساد می‌گردد. رشد جمعیت تأثیر منفی بر اشتغال جوانان دارد زیرا در کشورهایی که رشد جمعیت

بالتر دارند فشار بیشتری بر منابع کمیاب است که منجر به کاهش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی و به دنبال آن‌ها کاهش اشتغال می‌شود. در خصوص شاخص دموکراسی در یکی از تصریح‌ها اثر منفی معنادار و در دیگری اثر معناداری بر اشتغال جوانان نشان نمی‌دهد بنابراین طبق آن‌چه در مبانی نظری گفته شد تأثیر این شاخص بر انعطاف‌پذیری بازار کار مبهم است در نتیجه می‌توان گفت تأثیر روشنی بر اشتغال جوانان ندارد.

جدول ۲: نتایج تخمین ضرایب تأثیر مقررات بازار کار بر نسبت اشتغال به جمعیت جوانان

با استفاده از روش گشتاور تعمیم یافته دو مرحله‌ای تفاضلی (D-GMM)

متغیرها	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
Yemp <sub>t-1</sub>	۰,۷۷۶*** (۰,۱۰۱)	۰,۶۸۶*** (۰,۲۱۹)	۰,۸۴۸*** (۰,۱۰۴)	۰,۷۳۴*** (۰,۰۷۴)	۰,۸۳۵*** (۰,۰۷۴)
Growth	۰,۰۸۱*** (۰,۰۳۱)	۰,۱۶۷*** (۰,۰۵۹)	۰,۰۹۷*** (۰,۰۲۹)	۰,۱۵۴*** (۰,۰۴۰)	۰,۰۳۳** (۰,۰۱۴)
IMRI <sub>t-1</sub>	۰,۳۱۳ (۰,۲۱۱)	۰,۲۵۹ (۰,۲۱۱)	۰,۲۶۵ (۰,۲۱۰)	۰,۱۰۸ (۰,۱۵۵)	۰,۳۷۴* (۰,۱۹۹)
Inflation		۰,۰۲۰ (۰,۰۲۶)			
Fdi			۰,۰۰۴*** (۰,۰۰۳)		
Trade				-۰,۰۰۹ (۰,۰۰۷)	
Oilrent					-۰,۰۰۷ (۰,۰۱۵)
تعداد مشاهدات	۲۱۷	۲۰۴	۲۰۹	۲۱۷	۲۱۶
تعداد گروه‌ها	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷
تعداد ابزارها	۸	۸	۱۰	۱۱	۱۰
خود همبستگی مرتبه اول	-۲,۳۳**	-۲,۰۷۴**	-۲,۲۹۶**	-۲,۲۲۸**	-۲,۲۰۶**
خود همبستگی مرتبه دوم	-۰,۶۶۸	-۱,۰۴۸	-۰,۳۲۲	-۱,۱۹۲	-۰,۲۶۹
آماره سارگان-هانسن	Chi2(5) ۹,۰۲۷	Chi2(4) ۳,۵۲۲	Chi2(6) ۶,۳۴۴	Chi2(7) ۱,۸۰۱	Chi2(6) ۸,۴۰۰

					ماتریس وزنی دومرحله‌ای
Chi2(6) ۷,۲۵۷	Chi2(7) ۲,۲۰۲	Chi2(6) ۶,۵۴۶	Chi2(4) ۲,۷۷۴	Chi2(5) ۶,۳۹۳	آماره سارگان - هانسن ماتریس وزنی سه‌مرحله‌ای

منبع: محاسبات تحقیق

ادامه جدول ۲: نتایج تخمین ضرایب تأثیر مقررات بازار کار بر نسبت اشتغال به جمعیت جوانان

با استفاده از روش گشتاور تعمیم‌یافته دو مرحله‌ای تفاضلی (D-GMM)

تصاریح متغیرها	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)	(۱۰)
Yemp <sub>t-1</sub>	۰,۸۹۳*** (۰,۱۸۱)	۰,۸۸۶*** (۰,۰۹۲)	۰,۸۶۲*** (۰,۰۴۶)	۰,۷۸۹*** (۰,۰۲۹)	۰,۸۳۴*** (۰,۰۷۹)
Growth	۰,۰۱۱ (۰,۰۱۲)	۰,۱۶۷*** (۰,۰۲۸)	۰,۰۱۸ (۰,۰۲۹)	۰,۰۴۶*** (۰,۰۱۱)	۰,۱۲۳*** (۰,۰۲۸)
IMRI <sub>t-1</sub>	۰,۳۰۶** (۰,۱۵۴)	۰,۶۹۴** (۰,۲۷۱)	۰,۲۷۳* (۰,۱۴۲)	۰,۰۰۴ (۰,۱۰۷)	
Urbanization	-۰,۰۲۱ (۰,۰۷۴)				
Popgrowth		-۰,۲۱۷*** (۰,۰۸۳)			
Goverindex			۰,۲۶۹ (۰,۴۴۹)		
Democracy				-۰,۷۳۹*** (۰,۳۱۲)	
LMRIGCC					۳,۹۹۵ (۲۵,۱۷۴)
تعداد مشاهدات	۲۱۷	۲۱۷	۲۱۷	۱۹۱	۲۳۷
تعداد گروه‌ها	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷
تعداد ابزارها	۱۰	۱۴	۱۲	۱۶	۶
خود همبستگی مرتب اول	-۲,۲۱۷**	-۲,۴۱۳**	-۲,۰۱۰**	-۲,۱۵۶**	-۲,۳۱۷**
خود همبستگی مرتب دوم	-۰,۱۱۸	-۱,۶۰۲	-۰,۱۴۹	-۱,۵۸۴	-۱,۰۳۵



Chi2(3) ۵,۳۳۱	Chi2(12) ۱۴,۹۷۴	Chi2(8) ۹,۸۶۶	Chi2(10) ۸,۹۶۵	Chi2(6) ۵,۸۹۷	آماره سارگان - هانسن ماتریس وزنی دومرحله‌ای
Chi2(3) ۳,۷۹۴	Chi2(12) ۱۶,۹۹۵	Chi2(8) ۱۰,۵۷۳	Chi2(10) ۸,۱۰۸	Chi2(6) ۶,۸۸۲	آماره سارگان - هانسن ماتریس وزنی سه‌مرحله‌ای

منبع: محاسبات تحقیق

\*\*\*, \*\*, \* به ترتیب معناداری ضرایب در سطح ۱۰ درصد، ۵ درصد و ۱ درصد هستند. مقادیر داخل پرانتز خطای معیار می‌باشند.

جدول ۳: نتایج تخمین ضرایب تأثیر مقررات بازار کار بر نسبت اشتغال به جمعیت جوانان

با استفاده از روش گشتاور تعمیم‌یافته دو مرحله‌ای سیستمی (SYS-GMM)

متغیرها	تصویرها	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
Yemp <sub>it-1</sub>		۰,۹۳۳*** (۰,۰۳۳)	۰,۹۸۷*** (۰,۰۲۴)	۰,۹۱۶*** (۰,۰۴۶)	۰,۹۳۱*** (۰,۰۶۰)	۰,۹۷۹*** (۰,۰۱۴)
lngdp		۰,۳۲۱*** (۰,۰۱۰)	۰,۳۸۱** (۰,۱۷۵)	۰,۸۵۳*** (۰,۰۲۳۹)	۰,۷۱۲*** (۰,۰۲۶۴)	۰,۴۴۵*** (۰,۰۱۲۷)
IMRI <sub>t-1</sub>		۰,۳۷۵*** (۰,۰۰۸۷)	۰,۱۷۲** (۰,۰۰۱۲)	۰,۱۶۸ (۰,۰۱۲۵)	۰,۲۴۳* (۰,۰۱۳۱)	۰,۲۱۸* (۰,۰۲۱۶)
Inflation			۰,۰۵۵*** (۰,۰۰۱۲)			
Fdi				۰,۰۱۶*** (۰,۰۰۰۵)		
Trade					-۰,۰۰۲ (۰,۰۰۰۳)	
Oilrent						-۰,۰۰۱ (۰,۰۰۱۱)
عرض از مبدأ		-۳,۵۲۲*** (۰,۷۹۱)	-۴,۷۶۸*** (۰,۹۰۲)	-۶,۶۵۴*** (۱,۷۴۱)	-۵,۹۵۷*** (۱,۳۶۲)	-۴,۹۸۸*** (۰,۷۲۸)
تعداد مشاهدات		۲۱۷	۲۰۴	۲۱۰	۲۱۷	۲۱۶
تعداد گروه‌ها		۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷
تعداد ابزارها		۱۲	۱۷	۱۱	۱۲	۱۳

-۲,۰۳۳**	-۲,۰۸۷**	-۲,۰۶۶**	-۲,۱۴۰**	-۲,۰۷۶**	خود همبستگی مرتب اول
-۰,۰۲۸	۰,۰۳۶	۰,۴۸۰	۰,۱۵۸	-۰,۰۹۴	خود همبستگی مرتب دوم
Chi2(10) ۱۰,۴۵۴	Chi2(7) ۹,۳۶۳	Chi2(6) ۴,۶۱۹	Chi2(12) ۱۴,۷۸۳	Chi2(8) ۱۰,۱۸۲	آماره سارگان - هانسن ماتریس وزنی دومرحله‌ای
Chi2(10) ۱۴,۸۴۳	Chi2(7) ۱۱,۳۷۰	Chi2(6) ۶,۰۸۰	Chi2(12) ۱۷,۰۰۰	Chi2(8) ۱۰,۸۰۹	آماره سارگان - هانسن ماتریس وزنی سه‌مرحله‌ای

منبع: محاسبات تحقیق

ادامه جدول ۳: نتایج تخمین ضرایب تأثیر مقررات بازار کار بر نسبت اشتغال به جمعیت جوانان

با استفاده از روش گسناور تعمیم‌یافته دو مرحله‌ای سیستمی (SYS-GMM)

(۱۰)	(۹)	(۸)	(۷)	(۶)	تصریح‌ها متغیرها
۰,۷۳۲*** (۰,۹۵)	۰,۶۹۵*** (۰,۱۲۳)	۰,۹۷۴*** (۰,۰۲۵)	۰,۹۴۸** (۰,۰۳۸)	۰,۷۹۴*** (۰,۱۱۴)	Yemp <sub>t-1</sub>
۲,۰۰۵** (۱,۰۵۶)	۵,۱۹۰** (۲,۴۸۱)	۰,۶۷۲*** (۰,۲۰۴)	۰,۸۲۲*** (۰,۱۷۵)	۳,۸۱۵** (۱,۷۹۰)	lngdp
	۰,۴۲۸ (۰,۳۲۰)	۰,۳۱۷* (۰,۱۶۲)	۰,۱۳۶ (۰,۰۸۹)	۰,۲۳۸ (۰,۴۷۴)	IMRI <sub>t-1</sub>
				-۰,۰۹۴ (۰,۰۵۹)	Urbanization
			-۰,۰۷۰** (۰,۰۲۸)		Popgrowth
		-۰,۵۹۶ (۰,۴۲۴)			Goverindex
	-۰,۶۴۸ (۰,۶۱۴)				Democracy
۲,۳۰۹ (۳,۰۷۵)					LMRIGCC
-۱۵,۲۲۱*	-۳۸,۲۴۷*** (۱۶,۵۶۶)	-۷,۶۵۶* (۱,۸۲۷)	-۶,۸۴۲*** (۱,۹۰۹)	-۲۳,۱۴*** (۱۰,۰۵۳)	عرض از مبدأ

(۷,۸۱۱)					
۲۳۷	۱۹۱	۲۱۷	۲۱۷	۲۱۷	تعداد مشاهدات
۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	تعداد گروه ها
۱۳	۱۰	۱۴	۱۶	۹	تعداد ابزارها
-۱,۷۱۴*	-۲,۴۵۲**	-۲,۰۴۹**	-۲,۰۰۵**	-۲,۱۶۷**	خود همبستگی مرتبۀ اول
-۰,۰۹۵	-۰,۹۸۵	-۰,۰۵۳	-۰,۰۲۲	-۰,۰۵۳	خود همبستگی مرتبۀ دوم
Chi2(9) ۶,۴۵۳	Chi2(5) ۲,۸۹۵	Chi2(9) ۱۰,۸۰۷	Chi2(11) ۱۳,۴۷۷	Chi2(5) ۹,۹۲۰	آماره سارگان - هانسن ماتریس وزنی دومرحله‌ای
Chi2(9) ۱۱,۸۳۵	Chi2(5) ۵,۵۷۶	Chi2(9) ۱۲,۷۳۸	Chi2(11) ۱۴,۷۵۸	Chi2(5) ۶,۳۳۱	آماره سارگان - هانسن ماتریس وزنی سه‌مرحله‌ای

منبع: محاسبات تحقیق

\*\*\*, \*\*, \* به ترتیب معناداری ضرایب در سطح ۱۰ درصد، ۵ درصد و ۱ درصد هستند. مقادیر داخل پرانتز خطای معیار می‌باشند.

## ۶- نتیجه گیری

این مطالعه با استفاده از داده‌های مربوط به ۱۷ کشور منطقه منا در طول دوره ۲۰۱۹-۲۰۰۵ به بررسی اثر انعطاف‌پذیری بازار کار بر نسبت اشتغال به جمعیت جوانان پرداخته است. ادبیات اقتصادی نشان داده، انعطاف‌پذیری بیشتر بازار کار یکی از ارکان اصلی افزایش اشتغال (جوانان) است. در واقع بازارهای کار سفت و سخت هزینه‌های تولیدی بنگاه‌ها را افزایش داده که رقابت‌پذیری بنگاه‌ها را در بازارهای بین‌المللی کاهش داده و در نتیجه تولید و به دنبال آن اشتغال کاهش می‌یابد. انعطاف‌پذیری بازار کار با استفاده از شاخص مقررات بازار کار بدست می‌آید که تغییر نهادهای بازار کار به دلیل اصلاحات پذیرفته شده از سوی دولت در طول زمان را در نظر می‌گیرد. هدف از این مطالعه آزمون تجربی اعتبار فرضیه نئو کلاسیک است. فرضیه نئو کلاسیک بیان می‌کند که انعطاف‌پذیری بیشتر بازار کار تاثیر مفید بر نتایج بازار کار جوانان دارد. از نتایج تجربی به دست آمده از روش برآوردی تفاضل GMM دو مرحله‌ای و همچنین روش برآوردی S-GMM

دو مرحله‌ای به منظور استحکام نتایج می‌توان این نتیجه را گرفت که تأثیر انعطاف‌پذیری بازار کار بر اشتغال جوانان مبهم است.

با توجه به متغیرهای دیگر در مدل تجربی، نتایج نشان داد که رشد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت و معناداری بر اشتغال جوانان دارد و رشد جمعیت اثر منفی و معناداری بر اشتغال جوانان دارد. در این زمینه مناسب است در مورد تأثیر رشد اقتصادی بر اشتغال جوانان صحبت کنیم. این موضوع که، رشد اقتصادی می‌تواند به افزایش اشتغال جوانان کمک کند، بحث جدیدی نیست زیرا این نتیجه در طول زمان به طور تجربی در چندین مطالعه تأیید شده است. در عوض بسیاری بحث‌ها حول چگونگی ایجاد یک محیط مساعد می‌چرخد. یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند فضای مناسبی برای رشد اقتصادی ایجاد کند، بهبود رقابت‌پذیری در بازار است. یکی از راه‌های بهبود رقابت‌پذیری افزایش انعطاف‌پذیری بازار کار از طریق (۱) معرفی شغل‌های غیر معمول (قراردادهای موقت و ثابت) برای تسهیل ورود افراد جوان به بازار کار (۲) کاهش هزینه‌های استخدام و اخراج که به بنگاه‌ها اجازه می‌دهد رقابت خود را در بازارهای بین‌المللی افزایش دهند و تقاضای نیروی کار را مطابق با چرخه‌های تجاری تنظیم کنند (زمانک؛ ۲۰۱۰؛ برنال وردوگو و همکاران؛ ۲۰۱۳؛ لی سیفورا و همکاران؛ ۲۰۰۵؛ فریور و سرانو؛ ۲۰۱۳). (۳) کاهش امنیت شغلی (موریرا و همکاران؛ ۲۰۱۵) به منظور کاهش حمایتی که کارگران درونی از آن برخوردارند، به عبارتی جلوگیری از تقسیم بازار کار که به وسیله تنوری کارگران درونی - بیرونی توصیف شده است. یکی دیگر از راه‌های افزایش رقابت‌پذیری کاهش تسلط بخش دولتی است یا به عبارتی توسعه یک بخش خصوصی، که برای ایجاد شغل بسیار مهم است. نقش غالب بخش دولتی به عنوان کارفرما در سراسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نتایج بازار کار را مخدوش کرده و منابع را از بخش خصوصی پویا منحرف کرده است، که منجر به خلق شغل محدود، سرمایه‌گذاری ناچیز در سرمایه‌های انسانی، فیزیکی و نوآوری شده است. پیامدهای این کاستی‌ها منجر به رشد اقتصادی اندک این منطقه در مقایسه با سایر مناطق شده است. علی‌رغم اصلاحاتی که در برخی کشورهای منطقه منا در دهه

1. Zemanek

2. Bernal-Verdugo et al.

3. Lucifora et al.

4. Ferreior and Serrano

5. Moreira et al.

گذشته صورت گرفته دولت همواره در فعالیتهای تجاری حضور دارد و این حضور همچنان مانع رقابت پذیری بازار می شود. مسیر رقابت پذیری در منطقه مناباید از طریق یک رویکرد چند جانبه در راستای برخی حوزه های اصلاحی اجرا شود: (۱) برابری فرصت یا اعمال شرایط رقابتی در بازار محصول با توجه به حضور گسترده دولت (۲) تغییر شکل رابطه دولت و کارگران از طریق جایگزین کردن حمایت های اجتماعی مناسب و برنامه های فعال بازار کار (ALMPs) به جای مقررات محدودکننده نیروی کار. رویکرد دیگری که می توان به آن اشاره کرد یافتن مسیر ممکن سیاسی برای اصلاح از طریق تمرکز بر بخش های نوظهور، جایی که گروه های ذینفع قدرت کمتری دارند. اقتصاد دیجیتال و اقتصاد سبز نمونه های خوبی از بخش های جدید و به سرعت در حال ظهور هستند جایی که اصلاحات تدریجی می تواند موجب تحول ساختاری گسترده شود.

## References

1. Aghion, P. & Howitt, P. (1994). Growth and Unemployment. *Review of Economic Studies*, **61**(3): 477-494.
2. Akerlof, G.A. & Yellen, J.L. (1986). *Efficiency wage Models of The Labor Market*. Cambridge University Press: Cambridge Books.
3. Akerlof, G.A. (1984). Gift Exchange and Efficiency-Wage Theory: Four Views. *The American Economic Review*, **74**(2): 79-83.
4. Anderson, T.W. & Hsiao, C. (1981). Estimation of Dynamic Models with Error Components. *Journal of American Statistical Association*, **76**(375): 598- 606.
5. Angel-Urdinola, D. & Kuddo, A. (2010). Key Characteristics of Employment Regulation in the Middle East and North Africa. *Social Protection Discussion Papers and Notes*, 55674, The World Bank.
6. Angrist, J. & Kugler, A. (2003). Productive or Counter-Productive? Labour Market Institutions and the Effect of Immigration on EU Natives. *The Economic Journal*, **113**(June): 302-331.

7. Arellano, M. & Bond, S. (1991). Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations. *The Review of Economic Studies*, **58**(2): 277–297.
8. Arulampalam, W. Booth, A. & Taylor, M. (2000). Unemployment Persistence. *Oxford Economic Papers*, **52**(1): 24-50.
9. Barbieri, K. & Schneider, G. (1999). Globalization and Peace: Assessing New Directions in the Study of Trade and Conflict. *Journal of Peace Research*, **36**(4): 387–404.
10. Barbieri, P. & Scherer, S. (2009). Labor Market Felexibilization and its Consequences in Italy. *European Sociological Review*, **25**: 677-692.
11. Bartelsman, Eric J. Pieter, A. Gautier, & Wind, J. De. (2016). Employment Protection, Technology Choice, and Worker Allocation. *International Economic Review*, **57**(3): 787–826.
12. Bassanini, A. Nunziata, L. and Venn, D. (2009). Job Protection and Productivity Growth in OECD Countries. *Economic Policy*, **24**(58): 349–402.
13. Bayar, Y. & Maxim, L.D. (2020). Effect of Labor Market and Business Regulations on Unemployment: Evidence from EU Transition Economics. *Labor History*, **61**: 608-620.
14. Benach, J. Vives, A. Amable, M. & Vanroelen, C. (2014). Precarious Employment: Understanding an Emerging Social Determinant of Health. *Annual Review of Public Health*, **35**(1): 229-253.
15. BenAli, M.S. & Krammer, S.M.S. (2016). The Role of Institutions in Economic Development. *Ben Ali, M.S., Economic Development in the Middel East and North Africa: Challenges and Prospects (1-25), New York, Palgrave Macmillan.*
16. Bernal-Verdugo, L.E. Furceri, D. & Guillaume, D. (2013). Banking Crises, Labor Reforms, and Unemployment. *Journal of Comparative Economics*, **41**(4): 1202–1219.
17. Betcherman, G. (2014). Labor Market Regulations: What Do We Know about Their Impacts in Developing Countries? *Policy Research Working Paper*, 6819.
18. Betcherman, G. Olivas, K. & Dar, A. (2004). Impacts of Active Labour Market Program: New Evidence from Evaluations with Particular Attention on Developing and Transition Countries. *Social Protection Discussion Paper*, 29142, The World Bank.
19. Bjorvatn, K. & Farzanegan, M.R. (2013). Demographic Transition in Resource Rich Countries: a Bonus or a Curse? *World Development*, **45**(C): 337–351.

20. Blanchard, O. & Summers, L. (1986). Hysteresis and European Unemployment Problem. *National Bureau of Economic Research*, 1986(1): 15-90.
21. Blanchard, O. & Wolfers, J. (2000). The Role of Shocks and Institutions in the Rise of European Unemployment: the Aggregate Evidence. *Economic Journal*, **110**(462): 1-33.
22. Blanchard, O. Bean, C. & Münchau, W. (2006). European unemployment: The Evolution of Facts and Ideas. *Economic Policy*, **21**(45): 5-59.
23. Botero, J. C. Djankov, S. Porta, R.L. Lopez-de-Silanes, F. & Shleifer, A. (2004). The Regulation of Labor. *Quarterly Journal of Economics*, **119**(4): 1339-82.
24. Bottasso, A. Conti, M. and Sulis, G. (2017). Firm Dynamics and Employment Protection: Evidence from Sectoral Data. *Labour Economics*, **48**(October): 35-53.
25. Calderón, C. & Chong, A. (2005). Are Labor Market Regulations an Obstacle for Long -Term Growth? *Central of Bank Chile, Chapter 6 in Labor Markets and Institutions*, **8**: 167-219.
26. Campos, N.F. & Nugent, J.B. (2012). The Dynamics of the Regulation of Labor in Developing and Developed Countries since 1960. *Iza Discussion*, 6881.
27. Choudhry, M. Marelli, E. & Signorelli, M. (2012b). Key Determinants of Youth Unemployment in OECD Countries. *AIEL Conference*, 2012, 1-18.
28. Choudhry, M.T. Marelli, E. & Signorelli, M. (2012a). Youth Unemployment Rate and Impact of Financial Crises. *Intrnational Journal Manpower*, **33**(1): 76-95.
29. Cririllo, V. Fana, M. & Guarascio, D. (2017). Labor Market Reforms in Italy: Evaluating the Effects of the Jobs Act. *Economia Politica: Journal of Analytical and institutional Economics*, **34**(2): 211-232.
30. Dimian, G. C. (2011). The Role of Education in Explaining in CEE Countries. *Journal on Efficiency and Responsibility in Education and Science*, **4**(3): 105-115.
31. Duval, R. & Furceir, D. (2018). The Effects of Labor and Product Market Reform: The Role of Macroeconomic Condition and Polices. *IMF Economic Review*, **66**(1): 31-69.
32. Fakh, A. & Ghazalian, P. L. (2015b). What Factors Influence Firm Perceptions of Labour Market Constraint to Growth in the MENA Region? *International Journal of Manpower*, **36**(8): 1181-1206.

33. Farzanegan, M.R. & Witthuhn, S. (2017). Corruption and Political Stability: Does the Youth bulge Matter? *European Journal of Political Economy*, **49**(C): 47–70.
34. Farzanegan, M.R. (2009). Illegal Trade in the Iranian Economy: Evidence from Structural Equation Model. *European Journal of political Economy*, **25**(4): 489-507.
35. Ferreior, J. & Gomez, C. (2019). Employment Protection and Labor Market Results in Europe. *Journal of Evolutionary Economics*, **30**(2): 401-449.
36. Ferreiro, J. & Serrano, F. (2013). Labor Flexibility, Inequality, and Financial Crisis. *Journal of Economic Issues*, **47**(2): 567–574.
37. Flaig, G. & Rottmann H. (2013). Labour Market Institutions and Unemployment: An International Panel Data Analysis. *Empirica*, **40**(4): 635-654.
38. Harasty, C. (2004). Successful Employment and Labour Market Policies in Europe and Asia and the Pacific. *International Labour Office Geneva, Employment Strategy Papers*, 1-37.
39. Harris, J. R. & Todaro, M. P. (1970). Migration, Unemployment and Development: A Two-Sector Analysis. *American Economic Review*, **60**: 126–142.
40. Hopenhayn, H. & Rogerson, R. (1993). Job Turnover and Policy Evaluation: A General Equilibrium Analysis. *Journal of Political Economy*, **101**(5): 915-938.
41. Hsiao, C. (2014). *Analysis of Panel Data*. University of Southern California: Cambridge University Press.
42. Jesus, F. & Carmen, G. (2018). Employment Protection and Labor Market Performance in European Union Countries during the Great Recession. *FMM Working Paper*, **31**: 1-30.
43. Jha, P. & Golder, S. (2008). Labour Market Regulation and Economic Performance: A Critical Review of Arguments and Some Plausible Lessons for India. *International Labor office Geneva, Economic and Labor Market Paper*, 1-76.
44. Jude, C. & Silaghi, M. (2016). Employment Effects of Foreign Direct Investment: New Evidence from Central and Eastern European Countries. *International Economics*, **145**(C): 32–49.
45. Kabbani, N. & Kothari, E. (2005). Youth Employment in the MENA Region: A Situational Assessment. *The World Bank, Social Protection Discussion Paper*, **0534**: 1-61.



46. Kleinknecht, A. (1998). Is Labour Market Flexibility Harmful to Innovation? *Cambridge Journal of Economics*, **22**(3): 387-396.
47. Kuddo, A. (2009). Employment Services and Active Labor Market Programs in Eastern European and Central Asian Countries. *The World Bank, Social Protection Discussion & Notes*, 51253.
48. Kuddo, A. Robalino, D. & Weber, M. (2015). Balancing Regulations to Promote Jobs from Employment Contracts to Unemployment Benefits. Washington DC, World Bank, *Jobs group papers, Notes, and guides*, 1-43.
49. Kugler, A. & Kugler, M. (2009). Labor Market Effects of Payroll Taxes in Developing Countries: Evidence from Colombia. *Economic Development and Cultural Change*, **57**(2): 335-358.
50. Kugler, A. & Pica, G. (2008). Effects of Employment Protection on Worker and Job Flows: Evidence from the 1990 Italian Reform. *Labour Economics*, **15**(1): 78-95.
51. Kugler, A. & Saint-Paul, G. (2004). How Do Firing Costs Affect Worker Flows in a World with Adverse Selection? *Journal of Labor Economics*, **22**(3): 553-584.
52. Lazear, E.P. (1990). Job Security Provisions and Employment. *The Quarterly Journal of Economics*, **105**(3): 699-726.
53. Lindbeck, A. & Snower, D.J. (1988). Cooperation, Harassment, and Involuntary Unemployment: An Insider-Outsider Approach. *The American Economic Review*, **78**(1): 167-188.
54. Liotti, G. (2020). Labor Market Regulation and Youth Unemployment in the Eu-28. *Italian Economic Journal: A Continuation of Rivista Italiana Degli Economist and Giornale Degli Economist*, **8**(1): 77-103.
55. Lucifora, C. McKnight, A. & Salverda, W. (2005). Low-Wage Employment in Europe: A Review of the Evidence. *Socio Economic Review*, **3**(2): 259-292.
56. Mohamadi, T. Azizkhani, F. Taei, H. & Bahrami, J. (2019). Dynamics of the Effects of Deregulations in the Commodity and Labor Markets in MENA Countries: A Panel VAR Approach. *Iranian Journal of Economic Research*, **24**(80): 37-67. (In Persian)
57. Moreira, A. Dominguez, A. A. Antunes, C. Antunes, C. & Karamessini, M. (2015). Austerity-Driven Labour Market Reforms in Southern Europe: Eroding the Security of Labour Market Insiders. *European Journal of Social Security*, **17**(2):202-225.
58. Nickell, S. (1998). Unemployment: Questions and Some Answers. *The Economic Journal*, **108**(448): 802-816.

59. Noelke, C. (2011). The Consequences of Employment Protection Legislation for the Youth Labor Market. University Mannheim, *Working Paper Mannheimer Zentrum für Europäische Sozialforschung*.
60. O'Higgins, N. (1997). The Challenge of Youth Unemployment. *International Social Security Review*, **50**(4): 63-93.
61. Packard, T. Gentilini, U. Grosh, M. O'Keefe, M. Palacios, R. Robalino, D. and Santos, I. (2019). *Protecting All: Risk Sharing for a Diverse and Diversifying World of Work*. Washington DC: The World Bank, Human Development Perspectives.
62. Ranis, G. & Fei, J. C. H. (1961). A Theory of Economic Development. *The American Economic Review*, **51**: 533-565.
63. Sarkar, P. (2019). Does Labor Regulation Reduce Total and Youth Employment? *Structural Change and Economic Dynamics*, **52**(C): 374-381.
64. Sen, A. K. (1966). Labour Allocation in a Cooperative Enterprise. *Review of Economic Studies*, **33**(4): 361-371.
65. Todaro, M. P. (1969). A Model of Migration and Urban Unemployment in Less-Developed Countries. *The American Economic Review*, **59**(1): 138-148.
66. Walwei, U. (1996). Is Greater Flexibility in the Labour Market the Answer to the Unemployment Crisis? *Intereconomic Review of European Economic Policy*, **31**: 159-165.
67. Yellen, J.L. (1984). Efficiency Wage Models of Unemployment. *American Economic Review*, **74**(2): 200-205.
68. Zemanek, H. (2010). Competitiveness within the Euro Area: The Problem That Still Needs to Be Solved. *Economic Affairs*, **30**(3): 42-47.

پیوست

جدول ۱ پیوست: آزمون بررسی هم انباشتگی

آزمون هم انباشتگی کانو		تصریح	
احتمال	آماره		
۰,۰۰۳	۲,۶۹۷	رشد	مدل ۱
۰,۰۰۳	۲,۶۸۷	لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه	
۰,۰۰۴	۲,۶۰۸	رشد	مدل ۲
۰,۰۰۴	۲,۶۵۲	لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه	

۰,۰۰۳	۲,۷۰۴	رشد	مدل ۳
۰,۰۴	۱,۷۴۵	لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه	
۰,۰۰۲	۲,۰۴۱	رشد	مدل ۴
۰,۰۲۴	۱,۹۷۱	لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه	
۰,۰۰۸	۲,۳۸۸	رشد	مدل ۵
۰,۰۰۲	۲,۰۳۴	لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه	
۰,۰۰۲	۲,۷۸۸	رشد	مدل ۶
۰,۰۰۲	۲,۷۸۳	لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه	
۰,۰۰۲	۲,۷۷	رشد	مدل ۷
۰,۰۰۷	۲,۴۱۹	لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه	
۰,۰۰۴	۲,۶۳۴	رشد	مدل ۸
۰,۰۰۲	۲,۸۶۶	لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه	
۰,۰۳۲	۱,۸۳۹	رشد	مدل ۹
۰,۰۴۸	۱,۶۵۷	لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه	

منبع: یافته‌های تحقیق